



تفکر در باره روح انسان

مؤسسه روحی



کتاب ۱

تفکر در بارهٔ روح انسان

مؤسسهٔ روحی

مجموعه کتاب‌های روحی:

عناوین کنونی مجموعه کتب طراحی شده توسط مؤسسه روحی ذیلاً آمده است. این کتاب‌ها قرار است به عنوان تسلسل اصلی دوره‌های درسی در تلاش سیستماتیک به منظور تقویت قابلیت جوانان و بزرگسالان برای خدمت به جوامع خود به کار روند. مؤسسه روحی همچنین در حال تهیه مجموعه دوره‌هایی منشعب از کتاب سوم مجموعه جهت آموزش معلمان کلاس‌های کودکان بهائی و مجموعه دیگری منشعب از کتاب پنجم جهت پرورش مشوقین گروه‌های نوجوانان است. در فهرست زیر به این مجموعه‌ها نیز اشاره شده است. لازم به ذکر است که با کسب تجربه بیشتر در میدان عمل، فهرست ممکن است دستخوش تغییر شود. علاوه بر این، همچنان که بعضی عناصر درسی در دست تهیه به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توان در سطح وسیع در دسترس قرار داد، عناوین جدیدی به این فهرست اضافه خواهد شد.

کتاب اول	تفکر درباره روح انسان
کتاب دوم	قیام به خدمت
کتاب سوم	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۱
	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۲ (دوره منشعب)
	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۳ (دوره منشعب)
	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۴ (دوره منشعب)
کتاب چهارم	دو مظهر ظهور الهی
کتاب پنجم	شکوفای ساختن قوای نوجوانان
	انگیزه نخستین: دوره اول منشعب از کتاب ۵
	حلقه دائم‌التزاید: دوره دوم منشعب از کتاب ۵
کتاب ششم	خدمت در میدان تبلیغ
کتاب هفتم	همراهی در مسیر خدمت
کتاب هشتم	عهد و میثاق حضرت بهاءالله
کتاب نهم	کسب دیدگاهی تاریخی
کتاب دهم	ایجاد جوامعی پویا
کتاب یازدهم	اسباب مادی
کتاب دوازدهم	خانواده و جامعه
کتاب سیزدهم	مشارکت در اقدام اجتماعی
کتاب چهاردهم	مشارکت در گفت‌وگو عمومی

حق چاپ © ۱۹۹۹، ۲۰۲۰ بنیاد روحی، کلمبیا

Copyright © 1999, 2020 by the Ruhi Foundation, Colombia

All rights reserved. Edition 1.1.1.PE published 1999

Edition 4.1.2.PE.PV (provisional translation) March 2023

ISBN 978-958-52941-1-0

کلیه حقوق محفوظ است. نسخه ۱.۱.۱.PE منتشر شده ۱۹۹۹

نسخه ۴.۱.۲.PE.PV (ترجمه مقدماتی) مارس ۲۰۲۳

ISBN 978-958-52941-1-0

در اصل به زبان اسپانیایی تحت عنوان *Reflexiones sobre la vida del espíritu* منتشر شد.

Originally published in Spanish as *Reflexiones sobre la vida del espíritu*

Copyright © 1987, 1995, 2008, 2020 by the Ruhi Foundation, Colombia

ISBN 978-958-59880-3-3

حق چاپ © ۱۹۸۷، ۱۹۹۵، ۲۰۰۷، ۲۰۲۰ توسط بنیاد روحی، کلمبیا

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (ISBN): ۹۷۸-۹۵۸-۵۹۸۸۰-۳-۳

مؤسسه روحی

Ruhi Institute

Cali, Colombia

Email: instituto@ruhi.org

Website: www.ruhi.org

کالی، کلمبیا

ایمیل: instituto@ruhi.org

تارنما: www.ruhi.org

فهرست

۷	افکاری برای راهنما.....
۱	فهم آثار بهائی.....
۱۷	دعا و مناجات.....
۳۷	زندگی و مرگ.....

افکاری برای راهنما

مطالعه کتاب تفکر درباره روح/انسان، یعنی اولین کتاب از تسلسل اصلی دروس مؤسسه روحی، سالهاست که در سرتاسر عالم به نقاط بیشتری گسترش یافته است. در اکثریت وسیعی از موارد، گروهی از دوستان با یکدیگر این محتوا را مطالعه و درباره آن گفتگو می کنند. چنین گروهی ممکن است اعضای یک حلقه مطالعه باشند که جلساتی مرتب دارد، یا ممکن است در کمپنی برای مطالعه فشرده گرد هم آمده باشند، و یا شاید در تعطیلات مدارس در یک اردو جمع شده باشند. به هر شکل که باشد، یکی از اعضای گروه به عنوان راهنما عمل می کند. رابطه بین راهنما و دیگر شرکت کنندگان رابطه معلم با شاگرد نیست. همه آگاهانه در فرایندی مشارکت دارند که تمامی شرکت کنندگان آن جویای یادگیری هستند. اما راهنما تسهیل گر کناره نشین و منفعل صحبت ها نیز نیست. او تعداد کافی از دوره های تسلسل دروس را گذرانده و خدماتی را که در آنها تشویق می شود انجام داده است و بنابراین می تواند هر عضو گروه را در دستیابی به هدف مواد درسی مورد مطالعه مساعدت کند. ممکن است برای کسانی که به عنوان راهنمای کتاب ۱ عمل می کنند مفید باشد که ایده های مندرج در این مقدمه را هر چند وقت یک بار مرور کنند.

شرکت کنندگانی در سرتاسر جهان با پیشینه های متنوع وارد این دوره نخست از دروس مؤسسه می شوند. بعضی از آنها اعضای جامعه بهائی هستند که امیدوارند قابلیت خود را برای خدمت به امر مبارکی که پذیرفته اند، تقویت کنند. برخی دیگر این دوره را آغازی برای تفحص خود در آئین بهائی به عنوان یک دین می بینند. بعضی دیگر مجذوب آرمان های بهائی هستند و مایلند خود را با اهداف و مجهودات جامعه آشنا کنند. همچنین به طور خاص تعداد فزاینده ای از جوانان هستند که می خواهند اغلب از طریق مشارکت در یکی از برنامه هایی که جامعه بهائی ترویج می دهد، قابلیت خود برای خدمت به اجتماع را پرورش دهند؛ آنها نیز به عنوان یک گام اولیه، این درس را می گذرانند.

از آغاز، باید برای همه شرکت کنندگان واضح باشد که دوره های مؤسسه روحی مسیری از خدمت به بشریت را دنبال می کنند. هر یک از ما در این مسیر با سرعت خود گام برمی داریم، دیگران را یاری و از آنها مساعدت دریافت می کنیم. پیمودن این مسیر به طور ضمنی بر دنبال کردن یک هدف اخلاقی دوجانبه دلالت دارد: رسیدگی به رشد روحانی و فکری خود و مشارکت در تحول اجتماع. پیشرفت در این مسیر مستلزم پرورش تعدادی قابلیت است، قابلیت هایی که نیازمند فهم و دانش، صفات روحانی، نگرش های پسندیده و مجموعه ای از توانایی ها و مهارت ها هستند. منابع دانشی که کتب مؤسسه از آنها بهره می برد از یک سو، تعالیم دیانت بهائی

و از سوی دیگر، تجربه انباشته جامعه جهانی بهائی در پیشبرد تمدن مادی و روحانی است. آنچه الهامبخش مؤسسه است دورنمایی است که حضرت بهاءالله از فرد و تمدن ارائه می‌فرمایند، فردی که ما می‌توانیم به آن تبدیل شویم و تمدنی که می‌توانیم بنا کنیم. فرض بر آن است که همه شرکت‌کنندگان، صرف نظر از پیشینه خود، با ذهنی باز پذیرش این دورنما را مد نظر قرار می‌دهند و این بینش حضرت بهاءالله در تک تک واحدهای کلیه کتب به صراحت مشخص است.

در دنیایی که ایدئولوژی‌ها و کیش‌ها مایلند از هر ابزار ممکن برای جذب هواداران بیشتر استفاده کنند، افراد ناآشنا با امر بهائی ممکن است سؤالاتی خالصانه در باره مقاصد مؤسسه روحی داشته باشند، مخصوصاً این که «آیا در اینجا از من انتظار می‌رود دین خود را تغییر دهم؟» یا «آیا در اینجا از من انتظار می‌رود به دینی بپیوندم؟» چنین سؤالاتی این فرصت را به راهنما می‌دهد که هدف تسلسل دوره‌ها را آن‌طور که به اجمال در بالا آمد توضیح دهد. راهنما ممکن است بخواهد این نکته را نیز اضافه کند که هر چند بهائیان طبیعتاً مشتاقند که شاهد پیوستن دوستان خود به جامعه باشند، اما تعالیم همین دیانت آنها را از تلاش تحمیل‌گرانه برای آن که دیگران را به دین خود درآورند منع می‌کند. گام برداشتن در مسیر خدمتی که دوره‌های مؤسسه به روی ما گشوده، مشوق فهمی در حال تعمیق از تعالیم حضرت بهاءالله است و موادّ درسی مؤسسه این موضوع را بی‌پرده‌پوشی ابراز می‌کنند. اما پذیرش و ایمان مسائلی هستند که هر فرد باید آزادانه و بدون فشار مورد تعمق قرار دهد.

پس جای تعجب نیست که اولین دوره با مسئله فهم که در تمام کتب این تسلسل نقش بسیار محوری دارد آغاز می‌شود. خواندن آثار مقدسه همانند خواندن هزاران صفحه‌ای نیست که فرد در طول حیات خود با آنها مواجه می‌شود. واحد «فهم آثار بهائی» درصدد آن است که عادت خواندن نصوصی از متون مقدسه در هر روز و تعمق بر معنای آنها را پرورش دهد و همچنان که شرکت‌کنندگان پیمودن مسیر خدمت را آغاز می‌کنند، این عادت کمک بسیاری به آنها خواهد کرد. راهنما به منظور هدایت آنها در مطالعه این واحد، باید در باره موضوع فهم بسیار بیندیشد.

آثار مبارکه بهائی حاوی حقایق روحانی عمیقی هستند و در عین حال که می‌کوشیم در فهم معنای نامحدود آنها به پیش رویم، می‌دانیم که هرگز نمی‌توانیم به پایان قطعی و نهایی این کار برسیم. هنگام خواندن نص برای بار اول، عموماً درکی پایه‌ای از معنای مستقیم آن کسب می‌کنیم و بخش اول از واحد اول همین کار را به عنوان آغازگاه در نظر می‌گیرد. بنا بر این، پس از خواندن نص «اصلاح عالم از اعمال طیبۀ طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده»، از شرکت‌کنندگان این سؤال ساده پرسیده می‌شود که «چطور می‌توان به اصلاح عالم دست یافت؟» در یک نگاه، اکثر این نوع پرسش‌ها و تمرینات بیش از حد ساده به نظر می‌رسند. اما به نظر می‌رسد کسب سال‌ها تجربه مؤید تصمیم مؤسسه در انتخاب این شیوه برای آغاز کار است. لازم است همه

متذکر باشیم که مبدا ذهن ما، در جستجوی شتاب زده برای یافتن لایه‌های حقیقتِ مندرج در یک بیان، از معنای بدیهی نص غافل شود. توجه به این سطحِ اولِ درک برای مشورت گروهی نیز حیاتی است و وحدت فکر را تقویت می‌کند؛ وقتی نظرات شخصی اجازه یابند که در پرتو حکمت الهی قرار گیرند، وحدت فکر به راحتی قابل حصول است.

باید در اینجا اشاره کرد که بحث طولانی درباره کلمات منفرد خارج از بستر متن، به فهم معنای مستقیم اکثر نصوص کمکی نمی‌کند. در عین حال، ممکن است گاه ضروری باشد که گروه، کلمه‌ای را در لغت‌نامه پیدا کنند. اما احتمالاً مفیدتر خواهد بود که شرکت‌کنندگان یاد بگیرند چطور معانی کلمات را از کل جملات و بندها استنباط کنند.

برای آن که فهم ما از وادی ادراک معنای مستقیم نصوص گذر کند، مثال‌هایی که نشان می‌دهند چطور ایده‌ها عینیت می‌یابند احتمالاً مفید خواهد بود. آنچه لازم است فقط تمریناتی مشخص و ساده است. به عنوان مثال، در بخش دوم از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود در پرتو بیانی که خوانده‌اند، مرضیه بودن یا نبودن برخی صفات را تعیین کنند. در تمرین مشابهی در بخش چهارم، تشویق می‌شوند که پنج فضیلت را نام ببرند و سپس تعیین کنند آیا در نبود صدق و راستی که در آثار مبارکه «اساس جمیع فضائل انسانی» توصیف شده کسب این فضائل ممکن است یا خیر.

برای وصول به هدف این واحد، گام دیگری در پیشرفت فهم باید برداشته شود. به این منظور این واحد با دعوت به تفکر درباره دلالات ضمنی نصوص ارائه شده، شرکت‌کنندگان را به چالش می‌کشد. مثلاً در بخش دوم، از آنها خواسته می‌شود تعیین کنند که آیا گزاره «تعداد افراد خوب در جهان آن قدر کم است که اقدامات آنها هیچ تأثیری ندارد» درست است یا خیر. در اینجا هدف تنها شنیدن نظرات شخصی افراد نیست. راهنما باید توقف کند و دلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را جویا شود. این که این گزاره به دلیل تناقض با نص اول از بخش پیشین ضرورتاً باید غلط باشد، نتیجه‌ای است که گروه احتمالاً به آن خواهد رسید. پرسش از این که آیا بهائیان می‌توانند نزد دیگران به گناهان خود اعتراف کنند نیز مثالی از این نوع تمرین است و به منع اعتراف در تعالیم مبارکه به عنوان شیوه‌ای برای آمرزش گناه اشاره دارد. با اینکه این موضوع در هیچ یک از نصوص مورد مطالعه به صراحت ذکر نشده، با کاوش در معنای این آیه می‌توان آن را استنباط کرد: «حاسب نفسک فی کل یوم من قبل ان تُحاسب» (مضمون: قبل از این که به حساب تو رسیدگی شود هر روز خود را مورد محاسبه قرار بده).

تمرینات این واحد به هیچ وجه سعی ندارند تمامی گستره معانی مندرج در بیانات مورد بحث را در بر گیرند. یکی از سؤالاتی که هر راهنما باید درباره‌اش ببیندیشد آن است که در باره هر تمرین چقدر باید گفتگو

کرد. در اینجا مهم است به یاد داشته باشیم که طولانی کردن مشاورات با طرح تعداد زیادی مفاهیم مرتبط اما جانبی اغلب از اثرگذاری مواد آموزشی می‌کاهد. لازم است هر گروه ضرباهنگ رشد معقولی را برقرار کند؛ شرکت‌کنندگان باید مشخصاً احساس کنند که مطابق با امکانات خودشان به طور مستمر پیشرفت می‌کنند. اما راهنما باید دقت داشته باشد که مبادا بدون تجزیه و تحلیل فکورانه تمرینات، به سرعت و سطحی‌نگرانه از بخش‌ها گذر کنند؛ گروه‌هایی که به این شکل به پیش رفته‌اند و صرفاً قسمت پاسخ‌ها را تکمیل کرده‌اند، هرگز به نتایج ماندگاری دست نیافته‌اند.

یک نکته در پایان شایان ذکر است: راهنما می‌باید اطمینان حاصل کند که در فرایند یادگیری ناشی از مواد آموزشی، تک تک اعضای گروه شرکت دارند. جلب مشارکت بی‌آنکه افراد برای صحبت تحت فشار قرار گیرند، اغلب چالش‌برانگیز است. آنچه باید از ابتدا درک کنیم آن است که این چالش به ندرت با پرسیدن سؤالاتی مانند «شما از این نکته چه برداشتی دارید؟» حل می‌شود. پرسش‌هایی از این دست اغلب دانش و حقیقت را به سطح آراء شخصی تقلیل می‌دهند. و آنگاه ایجاد فضایی که در آن مشورت میان اعضای گروه به واقع به افزایش فهم انجامد دشوار خواهد بود.

واحد دوم کتاب مانند واحد اول به یکی از عاداتی می‌پردازد که برای حیات روحانی ضروری است: دعا و مناجات منظم. بخش اول این واحد مفهوم «مسیر خدمت» را به تصریح بیان و اشاره می‌کند که به منظور پیمودن این مسیر، باید سرشار از هدفی دوجانبه باشیم. شرکت‌کنندگان ابتدا مجموعه‌ای از نصوص بینش‌بخش درباره ماهیت این هدف را بررسی می‌کنند. دروس آینده تسلسل اصلی این موضوع را با تفصیل بیشتری مطرح خواهند کرد.

واحد دوم در بستر همین موضوع به کاوش در اهمیت دعا و مناجات می‌پردازد. رویکرد این قسمت مشابه با رویکردی است که در بندهای قبل توصیف شد. پرسش‌ها و تمریناتی تنظیم شده‌اند تا باعث افزایش فهم از معنای نصوص مورد مطالعه شوند. همچنان که گروه در این واحد به پیش می‌رود، ممکن است لازم باشد راهنما با تجزیه و تحلیل تصوّراتی که ریشه در تفاسیر و رویه‌های گذشته دارند تردیدها را زائل کند. در برخی سنت‌ها، مناسک و ظواهر به تدریج اهمیت حالت درونی افراد را تحت الشعاع قرار داده‌اند و بسیاری نفوس ضرورت دعا و مناجات را نادیده می‌گیرند، در حالی که ضرورت آن برای روح انسان دست کمی از لزوم غذا برای بدن ندارد.

بیش از هر چیز، مقصود از این واحد آن است که شوق «مکالمه با خداوند» و نزدیک شدن به او در شرکت‌کنندگان بیدار شود. از جمله افکاری که به آنها پرداخته شده این موارد است: وارد شدن به حالت دعا به چه معناست، هنگام دعا و مناجات قلب و ذهن ما در چه وضعیتی هستند، چه شرایطی باید پیرامون مان ایجاد

شود، و نیز این موضوع که هنگام دعا تنها هستیم یا در جمع. در واقع، بعد از کمی تفکر درباره نیروهای ناشی از عبادت جمعی، از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود مبادرت به میزبانی یک جلسه دعا و نیایش را در نظر بگیرند.

امید است مطالعه واحد سوم کتاب، یعنی «زندگی و مرگ»، تعهد به گام برداشتن در مسیر خدمت را تقویت کند و معنای عمیق‌تری به آن ببخشد. خدمت در این عالم را در بستر کامل‌ترین معنای زندگی می‌توان فهمید، بستری که از وجود زمینی ما فراتر است و با ترقی روح ما در عوالم الهی برای همیشه ادامه می‌یابد. در یک فرایند تعلیم و تربیت، برخلاف آموزش‌های فنی، شرکت‌کنندگان باید به نحوی فزاینده از معنا و اهمیت آنچه انجام می‌دهند آگاه شوند. تجربه نشان می‌دهد که تنها با رشد این آگاهی از معنای کار خویشتن است که «مالکیت» فعال و مسئولانه یادگیری‌شان را متعلق به خود خواهند دانست.

هر بخش از این واحد با یک تا سه نص از آثار بهائی آغاز می‌شود و با چند تمرین ادامه می‌یابد. زبان نصوصی که در این واحد نقل شده‌اند سنگین‌تر از دو واحد قبلی است. البته نیازی نیست که گروه روی کلمات دشوار زمان زیادی صرف کند؛ مقصد راهنما حصول اطمینان از آن است که همه، ایده اصلی که در هر بخش به آن پرداخته شده را درک می‌کنند و این دقیقاً همان مقصدی است که تمرینات هم سعی در تحقق آن دارند.

با توجه به ماهیت موضوع این بخش، تمریناتی که مثال‌های عینی دربردارند، کم و پراکنده‌اند. کارکرد اکثر این تمرینات در سطح مفهومی است. آنچه لازم به ذکر است آن که برخی سؤالات مطرح شده در تمرینات را به سرعت یا با قطعیت نمی‌توان پاسخ داد. چنین پرسش‌هایی مطرح شده‌اند تا آگاهی نسبت به موضوع را افزایش دهند. اگر شرکت‌کنندگان در باره چنین سؤالاتی فقط فکر کنند، یادگیری مورد نظر تحقق یافته است.

چند بخش اول بر رابطه بین روح و بدن تمرکز دارند که با هم هستی انسان را در این عرصه وجود تشکیل می‌دهند. ایده اصلی که در این بخش‌ها ارائه شده آن است که روح یک موجود فیزیکی نیست. رابطه آن با بدن را می‌توان به نوری که در آینه ظاهر می‌شود تشبیه کرد. نه گرد و غباری که سطح آینه را پوشانده از فروغ نور می‌کاهد و نه سرانجام، از میان رفتنش. مرگ تنها یک تغییر حالت است، وقتی تعلق بین بدن و روح از بین می‌رود. پس از مرگ، روح تا ابد پیشرفت می‌کند و به سوی خالق خود می‌رود.

واحد سوم پس از آن به مسئله هدف از زندگی، یعنی عرفان الهی و لقاء او، می‌پردازد. صحبت در اینجا حول دو موضوع گسترده انجام می‌شود. اولی هدف حیات ما در این عالم و دومی سفر روح پس از مرگ است. روح آیت الهی است و می‌تواند جمیع اسما و صفات او را منعکس سازد. اما قوای بالقوه وجود انسان در هستی او مکنون است و تنها با کمک مظاهر ظهور الهی، یعنی آن وجودات مقدسی که هر چند وقت یک بار

برای هدایت بشر می‌آیند، می‌تواند پرورش یابد. کنوز مخفی در ما می‌تواند از طریق تعلیم و تربیت روحانی که ایشان فراهم می‌آورند ظاهر شود.

در مورد سفر روح پس از مرگ، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها ارائه شده تا شرکت‌کنندگان در باره آنها تعمق نمایند: این که مؤمنان به خدا به سعادت حقیقی دست خواهند یافت؛ این که هیچ یک از ما هرگز نمی‌تواند سرانجام خود را بداند و بنا بر این باید یکدیگر را ببخشیم و نسبت به دیگران احساس برتری نکنیم؛ این که در عالم بعد، مانند این عالم، روح به ترقی خود ادامه خواهد داد و حواس روحانی که در اینجا در خود پرورش دادیم در آنجا ما را مساعدت و یاری خواهند نمود؛ این که در عوالم ماورا عزیزان خود را خواهیم شناخت و زندگی خود در این دنیا را به یاد خواهیم داشت و از مصاحبت نفوس مقدسه بهره خواهیم برد.

این واحد با بیانی از آثار حضرت بهاءالله پایان می‌یابد که در آن ما را به مواهب عالم بعد اطمینان می‌دهند و نصیحت می‌فرمایند که نگذاریم حوادث این زندگی ما را غمناک کند. سپس از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود در باره دلالت‌های ضمنی مطالب مطالعه‌شده بر زندگی خود تأمل کنند.



فهم آثار بهائی

هدف

تقویت عادت خواندن نصوصی از آثار مبارکه در هر روز
و تأمل در باره معنای آنها

بخش اوّل

هدف از این واحد کمک به شماست تا عادت خواندن نصوصی از آثار مبارکه در هر روز و تأمل در باره معنای آنها را در خود ایجاد و تقویت کنید. این واحد با تمرین ساده‌ای شروع می‌شود که از شما می‌خواهد یک گزاره یک جمله‌ای از آثار مبارکه را بخوانید و به سؤالی که این گزاره پاسخ آن است جواب دهید. گرچه انجام این تمرین آسان است، اما به شما کمک خواهد کرد در باره معنای گزاره‌های نقل شده تأمل کنید و آنها را از بر نمایید.

«اصلاح عالم از اعمال طیبۀ طاهره و اخلاق راضیۀ مرضیه بوده»^۱.

۱. اصلاح عالم چگونه حاصل می‌شود؟

«یا ملأ البهء لا تکنونوا بمثل الذین یقولون ما لا یفعلونه فی انفسهم»^۲.
مضمون: ای اهل بهاء مانند کسانی نباشید که می‌گویند آنچه خودشان نمی‌کنند.

۲. مانند چه کسانی نباید باشیم؟

«یا ابن الوجود، حاسب نفسک فی کلّ یوم من قبل ان تُحاسب»^۳.
مضمون: ای پسر وجود، قبل از این که به حساب تو رسیدگی شود، هر روز، خود را مورد محاسبه قرار بده.

۳. قبل از این که به حساب من رسیدگی شود، باید چه کنیم؟

«بگوای برادران به اعمال خود را بیاراید نه به اقوال».

۴. به چه چیز باید خود را بیاراییم؟

«کلمه طّیبه و اعمال طاهره مقدّسه به سماء عزّ احدیه صعود نماید».

۵. کلمه طّیبه و اعمال طاهره مقدّسه چه می‌شوند؟

بخش دوم

در زیر، تمرین‌هایی در ارتباط با نصوصی که مطالعه کردید آمده است. این تمرین‌ها را نباید به صورت مکانیکی انجام داد؛ مقصد از آنها کمک به گروه شماست تا در باره اهمّیت این نصوص در گروه خود بیشتر تأمل کنید. منظور این نیست که هر تمرین نیازمند گفتگوی بسیار است، اما وقتی تمرین چالش‌برانگیز است، راهنمای گروه به شما کمک خواهد کرد که آن را کاملاً کاوش کنید.

۱. وقتی چیزی «مرضیه» است، پسندیده و ستودنی می‌باشد. کدام یک از موارد زیر مرضیه است؟

_____ کارگر خوبی بودن

_____ به دیگران احترام گذاشتن

_____ درس خوان بودن

_____ دروغگو بودن

_____ تنبل بودن

_____ به دیگران خدمت کردن

۲. «من قبل ان تحاسب» (مضمون: قبل از این که به حساب تو رسیدگی شود) یعنی چه؟ _____

۳. کدام یک از گزاره‌های زیر درست است؟

_____ تعداد افراد خوب در جهان آن قدر کم است که اقدامات آنها هیچ تأثیری ندارد.

_____ وقتی چیزی موافق نظرات دیگران باشد درست است.

_____ وقتی چیزی موافق تعالیم الهی باشد درست است.

۴. کدام یک از موارد زیر اعمال طاهره مقدّسه است؟

_____ مراقبت از کودکان و تدریس به آنها

_____ دزدی

_____ دعا جهت ترقّی دیگران

_____ گفتن دروغی کوچک جهت خلاصی از دردسر

_____ کمک به دیگران و انتظار پاداش

۵. در کدام یک از موقعیّت‌های زیر، قول فرد با عمل او متفاوت است؟

_____ فردی مدام تکرار می‌کند که همه ما باید متحد باشیم، اما به نحوی رفتار می‌کند که تضاد و تعارض ایجاد می‌کند.

_____ فردی ارزش زندگی عفیف داشتن را می‌ستاید، اما روابط جنسی خارج از ازدواج دارد.

_____ فردی با اینکه ادّعای پیروی از دینی را دارد که نوشیدن الکل در آن منع شده، گاه الکل می‌نوشد.

_____ فردی از برابری مردان و زنان دفاع می‌کند، اما به عنوان کارفرما، برای کاریکسان، به زنان کمتر از مردان دستمزد می‌پردازد.

۶. آیا مجاز است که یک بهائی نزد فردی دیگر به گناه خود اعتراف کند؟ _____

۷. به جای اقرار به گناه چه باید انجام دهد؟

۸. عبارت «سَمَاءُ عَزَّاحِدِيَّة» به چه معنا است؟

۹. اعمال بد چه تأثیری بر جهان دارد؟

۱۰. اعمال بد چه تأثیری بر کسانی که آنها را مرتکب می‌شوند دارد؟

بخش سوم

حال نصوص زیر را بخوانید و درباره آنها تأمل کنید. سپس سعی کنید آنها را از بر کنید.

«صدق و راستی اساس جميع فضائل انسانی است.»^۶

۱. اساس جميع فضائل انسانی چیست؟

۲. اگر نفسی از آن [صدق و راستی] محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیّه عوالم الهی ممنوع گردد.»^۷

«قل یا قوم زینوا لسانکم بالصدق و نفوسکم بالأمانة.»^۸

مضمون: بگوای مردم، زبان‌تان را به راستی و نفس‌تان را به امانت آراسته سازید.

۳. به چه چیز باید زبان خود را زینت دهیم؟

۴. به چه چیز باید نفس خود را آراسته نماییم؟

«كونوا في الطرف عفيفاً وفي اليد اميناً وفي اللسان صادقاً وفي القلب متذكراً»^۹

مضمون: در نگاه پرهیزگار باشید، در دست امین، در زبان راستگو و در قلب متذکر.

۵. نگاه ما باید چگونه باشد؟ دست ما چگونه؟
زبان ما چگونه؟ و قلب ما چگونه؟

«قسم به آفتاب افق تقدیس که اگر جمیع عالم از ذهب و فضه شود نفسی که فی الحقیقه به ملکوت ایمان ارتقا جسته ابداً به آن توجه ننماید تا چه رسد به اخذ آن»^{۱۰}

۶. اگر جمیع عالم از ذهب و فضه شود، باید از چه کاری خودداری کنیم؟

بخش چهارم

همان‌طور که احتمالاً در بخش دوم متوجه شدید، برخی از تمرینات این واحد پاسخ‌هایی قطعی می‌طلبند. در چنین مواردی، اگر در باره پاسخ تردیدی وجود داشته باشد، راهنمای گروه شما می‌تواند به شما و سایر شرکت‌کنندگان گروه‌تان برای رسیدن به وحدت فکر کمک کند. در مورد تمریناتی دیگر، گفتگو خود ارزشمند است و هیچ پاسخ یگانه و خاصی مورد انتظار نیست. در زیر، تمرین ۳ از نوع اول است، و تمرین ۶ از دسته دوم محسوب می‌شود.

۱. صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است. پنج فضیلت ذکر کنید.

۲. آیا بدون صدق و راستی می‌توانیم این فضائل را کسب کنیم؟

۳. کدام یک از گزاره‌های زیر درست است؟

- _____ یک فرد می‌تواند عادل باشد حتی اگر دروغ بگوید.
- _____ شخصی که دزدی می‌کند دست‌امینی دارد.
- _____ دست‌امین هیچ‌گاه به آنچه به او تعلق ندارد دراز نمی‌شود.
- _____ نگاه کردن به محتوای محرک احساسات جنسی خلاف نصیحت حضرت بهاء‌الله در خصوص عقیف بودن در نگاه است.
- _____ صدق و راستی یعنی دروغ نگفتن.
- _____ امانت زینت روح است.
- _____ شخصی که صادق و راستگو نباشد می‌تواند از نظر روحانی پیشرفت کند.
- _____ مانعی ندارد اگر گاه دروغ بگوییم.
- _____ در صورتی که انسان گرسنه باشد، دزدی نزد خداوند پذیرفته است.
- _____ برداشتن چیزی بدون اجازه صاحب آن، با این فکر که بعداً آن را باز خواهیم گرداند، دزدی محسوب نمی‌شود.
- _____ وقتی درستکارانه عمل می‌کنیم و امین و صادق هستیم، قلب‌مان متدگر است.
- _____ بدون اندکی تقلّب، رونق بخشیدن به یک کسب و کار امکان‌پذیر نیست.

۴. آیا ممکن است انسان به خود دروغ گوید؟ _____

۵. وقتی دروغ بگوییم چه چیزی را از دست می‌دهیم؟ _____

۶. اگر همه ما صادق و امین بودیم جهان چگونه می‌شد؟ _____

بخش پنجم

نصوص زیر را بخوانید و سعی کنید آنها را از بر کنید. از بر کردن نصوصی از آثار مبارکه بسیار مفید و مسرّت بخش است و باید در این مورد نهایت تلاش خود را مبذول دارید. البته از بر کردن نصوص برای همه راحت نیست. اما همین که تلاش خود را بکنیم، کمک می‌کند که اندیشه‌ها بر قلب و ذهن مان نقش بندد و بتوانیم آنها را با کلماتی که تا حدّ ممکن به متن اصلی نزدیک هستند بیان کنیم.

«لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائده روح و بمثابة معانیست از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانایی.»^{۱۱}

۱. لسان شفقت را چطور می‌توان توصیف نمود؟

۲. لسان شفقت چه تأثیری بر الفاظ دارد؟

«ای احبّای الهی، در این دور مقدّس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدّی محروم.»^{۱۲}

۳. طبق نصّ بالا، چه چیزی در این دور ممنوع است؟

۴. شخص متعدّی با خود چه می‌کند؟

«حق شاهد و گواه است که ضرّی از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست.»^{۱۳}

۵. چه شرایطی اعظم ضرر و بزرگترین ضرر برای امر الهی بوده و هست؟

«به اظهار دوستی و محبت که فقط با الفاظ باشد قانع نشوید، بگذارید قلبتان با محبت خالصانه نسبت به تمام افرادی که در راهتان می‌گذرند مشتعل باشد.»^{۱۴} (ترجمه)

۶. چه نوع دوستی نباید ما را راضی کند؟

۷. قلب‌مان باید به چه مشتعل گردد؟

«چون فکر جنگ آید آن را با فکر قوی‌تر صلح مقابله کنید. فکر نفرت را با فکر قوی‌تر عشق نابود سازید.»^{۱۵} (ترجمه)

۸. فکر جنگ را باید با چه مقابله نمود؟

۹. فکر نفرت را باید با چه نابود ساخت؟

بخش ششم

با در ذهن داشتن نصوص بالا، تمرینات زیر را انجام دهید:

۱. «جذاب» به معنای جذب‌کننده است، مانند آهنربا که آهن را جذب می‌کند. از چه نظر می‌توان لسان شفقت را به آهنربا تشبیه کرد؟

۲. کدام یک از اظهارات زیر از لسان شفقت صادر می‌شود؟

_____ «مزاحم من نشو!»

_____ «چرا این را نمی‌فهمی؟»

_____ «ممکن است اندکی منتظر بمانید؟»

_____ «عجب بچه‌های بدی!»

_____ «ممنونم، خیلی محبت دارید.»

_____ «الآن اصلاً برایت وقت ندارم، سرم شلوغ است.»

۳. در کدام یک از موقعیت‌های زیر نزاع و جدال وجود دارد؟

_____ دو نفر طی مشورت افکار متفاوتی در باره یک موضوع بیان می‌کنند.

_____ دو نفر طی مشورت برآشفته می‌شوند و با یکدیگر جرّ و بحث می‌کنند.

_____ دو نفر شرکت در یک جلسه دعای هفتگی را ادامه نمی‌دهند، زیرا با هم قهر کرده‌اند.

_____ اعضای یک تیم که روی پروژه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند مدام شکایت می‌کنند و هر یک می‌گویند که دیگران سهم خود را ادا نمی‌کنند.

۴. در کدام یک از موقعیت‌های زیر، نشانه‌های کدورت وجود دارد؟

_____ دو دوست در خیابان از کنار هم می‌گذرند، اما یکدیگر را نادیده می‌گیرند.

_____ فردی به یک جلسه دعا می‌رسد و همه به گرمی از او احوال‌پرسی می‌کنند.

_____ دو عضو یک گروه، گرچه با یکدیگر مؤدبانه رفتار می‌کنند، اما میل ندارند با هم در پروژه‌ای مشارکت کنند.

۵. تعیین کنید که آیا گزاره‌های زیر درست هستند یا خیر:

- _____ باید انسان دقیقاً آنچه را که درباره دیگران فکر می‌کند بگوید؛ مهم نیست اگر سبب رنجش قلب‌شان شود.
- _____ دروغ گفتن به منظور اجتناب از جدال مانعی ندارد.
- _____ با محبت و مهربانی می‌توان بر جدال غلبه کرد.
- _____ کلمات هنگامی که با محبت ادا شوند مؤثرتر هستند.
- _____ دعوا کردن با کسی که دعوا را شروع می‌کند مانعی ندارد.
- _____ اگر انسان مریض یا ناراحت باشد حق آن را دارد که با دیگران با تندی رفتار نماید.
- _____ از مهربانی به دور است که وقتی دیگران کاری را اشتباه انجام می‌دهند به آنها بخندیم.
- _____ هنگامی که بین دوستان رنجشی هست، هریک باید برای نزدیک شدن به دیگری تلاش ویژه‌ای کند.
- _____ هنگامی که بین دوستان رنجشی هست، هریک باید منتظر بماند تا دیگری برای آشتی قدمی بردارد.

بخش هفتم

نصوص زیر را مطالعه و از برنمایید.

«غیت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند»^{۱۶}

«لا تنفس بخطاء احد مادمت خاطئاً»^{۱۷}

مضمون: تا خود خطاکاری، به خطای احدی دم مزن.

«بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید»^{۱۸}

«یا ابن الوجود، کیف نسیت عیوب نفسک و اشتغلت بعیوب عبادی».^{۱۹}

مضمون: ای پسر وجود، چگونه عیوب خود را فراموش کردی و به عیوب بندگان من مشغول شدی.

۱. غیبت چه اثری بر فرد غیبت‌کننده می‌گذارد؟

۲. قبل از آن که به خطاهای دیگران دم زنیم، باید به چه چیز فکر کنیم؟

۳. اگر عیب دیگران را بزرگ دانیم چه بر سر ما خواهد آمد؟

۴. وقتی به عیوب دیگران فکر می‌کنیم چه چیز را باید به‌خاطر آوریم؟

بخش هشتم

با در ذهن داشتن نصوص بالا، تمرینات زیر را انجام دهید:

۱. تمرکز بر عیوب دیگران چه تأثیری بر پیشرفت روح فرد دارد؟

۲. غیبت چه تأثیری بر جامعه دارد؟

۳. هنگامی که یکی از دوستان شروع به صحبت از عیوب دیگران می‌نماید چه می‌کنید؟

۴. تعیین کنید گزاره‌های زیر درست هستند یا خیر:

- _____ وقتی در باره عیوب واقعی یک نفر صحبت کنیم غیبت نکرده‌ایم.
- _____ وقتی در آن واحد در باره صفات پسندیده و عیوب یک فرد صحبت کنیم غیبت نکرده‌ایم.
- _____ غیبت در اجتماع ما مرسوم شده است و باید انضباط خودداری از آن را در خود پرورش دهیم.
- _____ اگر شخص شنونده قول دهد که آنچه را در باره دیگری می‌گوییم تکرار نکند غیبت کردن ضرری ندارد.
- _____ غیبت یکی از بزرگ‌ترین دشمنان وحدت و اتحاد است.
- _____ اگر عادت کنیم که همواره در باره دیگران صحبت کنیم، به راحتی ممکن است در خطر غیبت کردن افتیم.
- _____ وقتی در جلسه محفل روحانی محلی در باره قابلیت‌های افراد مختلف صحبت می‌شود تا اعضای یک لجنه تعیین شوند، این کار غیبت محسوب می‌شود.
- _____ هر وقت حس تمایل به غیبت داریم، باید عیوب خود را به یاد آوریم.
- _____ وقتی می‌دانیم شخصی در حال انجام کاری است که به امر مبارک ضرر می‌رساند باید آن را با اعضای جامعه به گفتگو بگذاریم.
- _____ وقتی می‌دانیم یک فرد در حال انجام کاری است که به امر مبارک ضرر می‌رساند باید آن را فقط به اطلاع محفل روحانی محلی برسانیم.
- _____ اگر یک زوج در باره عیوب دیگران صحبت کنند اشکالی ندارد، چه که نباید مسأله‌ای را از یکدیگر پنهان دارند.

بخش نهم

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد هدف این واحد آن است که شرکت‌کنندگان را در تلاش‌های شان یاری دهد تا بتوانند عادت خواندن نصوصی از آثار مقدسه در هر روز و تأمل بر معنای آنها را در خود ایجاد و تقویت

کنند. خواندن آیات الهی در هر صبح و شام یکی از تعالیم حضرت بهاءالله است که به پرورش روحانی ما می‌انجامد. بیان زیر به ما یادآور می‌شود که با اجرای این فریضه چه مواهبی دریافت می‌کنیم. شما را تشویق می‌کنیم این بیان را از بر نمایید:

«اغتمسوا فی بحر بیانی لعلّ تطلعون بما فیہ من لثالی الحکمة و الاسرار» ۲۰

مضمون: در دریای بیان من غوطه‌ور شوید باشد که به آنچه از مرواریدهای حکمت و اسرار در آن است مطلع گردید.

حال که این واحد را به اتمام رسانده‌اید، شاید بخواهید کتابی از آثار مبارکه حضرت بهاءالله داشته باشید و هرروز بخشی از آن را تلاوت کنید. به عنوان اولین کتاب، کلمات مبارکه مکنونه انتخاب مناسبی است.

مراجع

۱. حضرت بهاء الله، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۳.
۲. حضرت بهاء الله، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۴.
۳. حضرت بهاء الله، کلمات مکنونه عربی، شماره ۳۱.
۴. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۵.
۵. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۶۹.
۶. حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۵.
۷. حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۵.
۸. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۱۳۶، ص ۱۹۰.
۹. مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۸۱.
۱۰. مائده آسمانی، جلد ۸، ص ۸.
۱۱. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۱۳۲، ص ۱۸۵.
۱۲. الواح وصایای حضرت عبدالبهاء.
۱۳. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۵، ص ۱۴.
۱۴. از خطابه ای مورخ ۱۶ و ۱۷ اکتبر ۱۹۱۱، منتشر شده در خطابات پاریس: خطابات حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۱ [Paris Talks: Addresses Given by 'Abdu'l-Bahá in 1911]، (ویلیم: انتشارات بهائی، ۲۰۰۶، چاپ ۲۰۱۶)، شماره ۱، ۷، ص ۶ (ترجمه).
۱۵. از خطابه ای مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۱۱، منتشر شده در خطابات پاریس: خطابات حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۱ [Paris Talks: Addresses Given by 'Abdu'l-Bahá in 1911]، (ویلیم: انتشارات بهائی، ۲۰۰۶، چاپ ۲۰۱۶)، شماره ۷، ۶، ص ۲۲ (ترجمه).
۱۶. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۱۲۵، صص ۱۷۰-۱۷۱.
۱۷. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه عربی، شماره ۲۷.
۱۸. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۴۴.
۱۹. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۲۶.
۲۰. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، ص ۹۳.



دعا و مناجات

هدف

تأمل بر اهميت دعا و

تقويت عادت منظم نيايش

بخش اوّل

هدف از دوره‌های مؤسسه روحی کمک به شرکت‌کنندگان در پیمودن یک مسیر خدمت است. ما به واسطه یک حس هدفمندی دوجانبه، یعنی رشد روحانی و فکری از یک سو و مشارکت در تحول اجتماع از سوی دیگر در این مسیر گام برمی‌داریم. این دو جنبه از هدف ما از یکدیگر جدایی ناپذیرند. حضرت بهاءالله در بیانی به ما می‌فرمایند:

«به خود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید»^۱

ایشان در بیانی دیگر تصریح می‌فرمایند:

«...نفوس فانیه از عدم صرف، به عالم هستی قدم نهاده‌اند تا به اصلاح عالم پردازند و مدّت حیات را به کمال اتحاد و اتفاق بگذرانند»^۲ (ترجمه)

ایشان در مورد حالت درونی ما می‌فرمایند:

«قلب لطیف به منزله آئینه است آن را به صیقل حبّ و انقطاع از ما سوی الله پاک کن تا آفتاب حقیقی در آن جلوه نماید و صبح ازلی طالع شود»^۳

و حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند:

«قلبتان پاک باشد نیّتان خالص شود تا مستفیض از فیوضات الهیه گردید»^۴

۱. تمرکز افکار و دغدغه‌های ما باید بر چه باشد؟

۲. به خاطر چه هدفی از عدم صرف قدم به عالم وجود نهاده‌ایم؟

۳. باید آینه قلب خود را به چه چیز پاک کنیم؟

۴. برخی حالاتی که جاذب فیوضات الهیه است چیست؟

۵. آیا هیچ یک از موارد زیر درست است؟

- اوّل باید مراقب خود باشید و بعد از دیگران مراقبت نمایید.
- اگر همیشه دارید به دیگران کمک می‌کنید، در نهایت از اهداف خودتان غافل خواهید شد.
- شما نزدیک‌ترین دوست خودتان هستید.
- مهم‌ترین چیزی بردن به آن است که چه چیزی شما را خوشحال می‌کند.
- رؤیاهای خود را دنبال کن. آنها تو را به شادمانی رهنمون خواهند شد.
- مادام که کارهایت لطمه‌ای به دیگران وارد نمی‌آورد، مهم نیست چه می‌کنی.
- مادام که کارهای خوبی انجام می‌دهی، مانعی ندارد که انگیزه‌های‌تان خودخواهانه باشد.

بخش دوم

یک اعتقاد راسخ که در هدف دوجانبه ما نقش اساسی دارد آن است که همه شریف آفریده شده‌ایم. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

«يَا ابْنَ الرُّوحِ، خَلَقْتُكَ غَنِيًّا كَيْفَ تَفْتَقِرُ، وَصَنَعْتُكَ عَزِيزًا بِمَ تَسْتَدِلُّ، وَمِنْ جَوْهَرِ الْعِلْمِ أَظْهَرْتُكَ لِمَ تَسْتَعْلِمُ عَنْ دُونِي، وَمِنْ طِينِ الْحُبِّ عَجَّتْكَ كَيْفَ تَشْتَغِلُ بغيري؛ فَارْجِعِ الْبَصَرَ إِلَيْكَ لِتَجِدَنِي فِيكَ قَائِمًا قَادِرًا مُقْتَدِرًا قَيُّومًا.»^۵

مضمون: ای پسر روح، تو را غنی آفریدم، چطور خود را فقیر می‌کنی و تو را عزیز ساختم، به چه رو خود را ذلیل می‌کنی و از جوهر علم، تو را ظاهر کردم، چرا از غیر من طلب علم می‌کنی و از خاک عشق، تو را شکل دادم، چطور به غیر من مشغول می‌شوی؟ پس به خود نظر کن تا مرا در خود قائم و قادر و مقتدر و قیوم بیابی.

پر کردن جاهای خالی در زیر به شما کمک خواهد کرد تا در باره این بیان تأمل نمایید.

«يَا ابْنَ الرُّوحِ، خَلَقْتُكَ _____ كَيْفَ _____، وَ _____ بِمِ _____، وَ
مِنْ _____ أَظْهَرْتُكَ لِمِ _____ عَنْ _____، وَ مِنْ طِينِ _____
كَيْفَ _____ ب _____؛ فَأَرْجِعْ _____ إِلَيَّ لَتَجِدَنَّ فِيكَ _____
_____».

مضمون: ای پسر روح، تو را _____ آفریدم، چطور خود را _____ می‌کنی و تو را _____
_____، به چه رو خود را _____ می‌کنی و از _____، تو را ظاهر کردم، چرا از غیر من
_____ و از خاک _____، تو را _____، چطور به _____
_____؟ پس به _____ کن تا _____ در خود _____ و _____ و
_____ و _____ بیابی.

برای آن که به شرافت روح خود پایبند بمانیم، باید به منشأ وجود خود رو کنیم و از او روشنی طلبیم. یکی از نافذترین طرق دستیابی به این مهم از طریق دعا و مناجات است. حضرت شوقی ربّانی، ولی امر بهائی، به ما می‌فرماید که هدف اصلی دعا «پرورش فرد و اجتماع به وسیله حصول فضائل و قوای روحانی» است؛ ایشان ادامه می‌دهند که «اول باید روح انسان را تغذیه کرد و این تغذیه روحانی را دعا به بهترین نحو می‌تواند فراهم کند»^۶. (ترجمه)

بخش سوم

خداوند علیم و حکیم است. او ما را آفرید و آنچه را که در قلوب ماست و برای ما بهترین است می‌داند. او به دعا و مناجات ما نیاز ندارد. پس چرا دعا می‌کنیم؟

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«در والاترین حالت دعا، انسان فقط برای محبّت الهی دعا می کند، نه از جهت خوف از او یا نار جهنّم و نه بامید نعیم و جنّت ... وقتی که انسان مفتون حبّ دیگری گردد ممکن نیست از ذکر معشوقش سکون اختیار کند. پس چقدر دشوارتر است که انسانی مفتون خدا باشد و از ذکر نام او دم فروبندد ... شخص روحانی به هیچ چیز مسرّت نیابد مگر به ذکر الهی».^۷

ایشان در پاسخ به سؤالی چنین توضیح می دهند:

«اگر دوستی به دیگری محبّت دارد طبیعی نیست که بخواهد آن محبّت را ابراز دهد؟ با آنکه می داند دوستش از محبّت او آگاه است، آیا با وجود این تمایل ندارد احساسات خویش را به او بیان کند؟ ... البتّه خدا از آرزوهای قلوب خیر و علیم است ولی عواطفی که انسان را به مناجات با حقّ دلالت می کند از مقتضیات طبیعت است و ناشی از محبّت انسان است به خداوند...».^۸

۱. جملات زیر را تکمیل کنید:

الف. در _____ حالت دعا، انسان فقط برای _____ الهی _____، نه از جهت خوف از او یا _____ و نه بامید _____ و _____.

ب. وقتی که ما مفتون _____ دیگری می شویم _____ از ذکر _____ سکون اختیار کنیم. پس چقدر _____ است که انسانی _____ باشد و از _____ نام _____ دم فروبندد.

ج. شخص روحانی به هیچ چیز _____ نیابد مگر به _____ الهی.

۲. چرا دعا می کنیم؟ _____

۳. عبارت «ذکر الهی» به چه معناست؟ _____

۴. پرشورترین آرزوی کسی که به دیگری محبت دارد چیست؟

۵. انگیزه و عواطفی که انسان را به مناجات با حق دلالت می‌کند ناشی از چیست؟

بخش چهارم

در نمازی که حضرت بهاءالله نازل فرموده‌اند چنین می‌خوانیم:

«أَسْأَلُكَ ... بِأَنْ تَجْعَلَ صَلَاتِي نَاراً لَتَحْرِقَ حِجْبَاتِي الَّتِي مَنَعَتْنِي عَنْ مَشَاهِدَةِ جَمَالِكَ وَنُوراً يَدُلُّنِي
إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ».^۹

مضمون: از تو می‌خواهم نمازم را آتشی قرار دهی تا حجبات مرا که مرا از دیدار جمال تو ممانعت
کرد بسوزاند و نوری قرار دهی که مرا به دریای وصال تو رهنمون شود.

در همان نماز از خدا چنین می‌خواهیم:

«إِی رَبِّ فَاجْعَلْ صَلَاتِي كَوَثْرِ الْحَيَوَانِ لِيَقْبَلَ بِهِ ذَاتِي بِدَوَامِ سُلْطَنَتِكَ وَ يَذْكُرَكَ فِي كُلِّ عَالَمٍ مِنْ
عَوَالِمِكَ».^{۱۰}

مضمون: پروردگارا، نمازم را چشمه حیات قرار ده تا با آن ذات من به دوام سلطنت تو باقی باشد و در
هر عالمی از عوالمت تو را ذکر گوید.

۱. نماز از چه نظر می‌تواند مانند آتش باشد؟ چه چیزی را می‌سوزاند؟

۲. بعضی حجباتی که ما را از خدا منع می‌کند ذکر نمایند:

۳. آیا نماز می‌تواند مانند نور باشد؟ ما را به کجا رهنمون می‌شود؟

۴. آیا نماز می‌تواند مانند کوثر حیوان باشد؟ چه چیز به روح ما عطا می‌کند؟

بخش پنجم

کلمات زیر از حضرت عبدالبهاء را بخوانید و در باره آنها تأمل کنید:

«در عالم وجود شیرین‌تر از دعا چیزی نیست. انسان باید در حالت دعا زندگی کند. مقدّس‌ترین حالات حالت دعا و استغاثه است. دعا مکالمه با خداوند است. بزرگ‌ترین توفیقات یا شیرین‌ترین حالات جز مکالمه با خدا نیست. دعا معنویت آفریند و توجّه و احساسات روحانی آورد، انجذابات بدیع ملکوت ارزان کند و قوّه ادراک متعالیه بخشد.»^{۱۱} (ترجمه)

۱. در عالم وجود شیرین‌ترین حالت چیست؟

۲. عبارت «حالت دعا» به چه معناست؟

۳. برخی خصوصیات را که دعا ایجاد می‌کند ذکر نمایید:

۴. نصوصی که در این چند بخش مطالعه کرده‌اید مرور نمایید و پنج عبارت درباره ماهیت دعا بنویسید.

- دعا عبارت است از _____
- دعا عبارت است از _____
- دعا عبارت است از _____
- دعا عبارت است از _____
- دعا عبارت است از _____

بخش ششم

بیان زیر از حضرت بهاءالله را بخوانید و درباره آن تعمّق نمایید:

«أن اقرأ يا عبد ما وصل اليك من آثار الله بربوات المقربين لتستجذب بها نفسك وتستجذب من نعماتك أفئدة الخلائق اجمعين و من يقرأ آيات الله في بيته وحده لينشر نفحاتها الملائكة النّاشرات الى كلّ الجهات وينقلب بها كلّ نفس سليم ولولن يستشعر في نفسه و لكن يظهر عليه هذا الفضل في يوم من الايام كذلك قدر خفّيات الأمر من لدن مقدّر حكيم.»^{۱۲}

مضمون: ای بنده، آنچه از آثار الهی را دریافت کردی به الحان مقربان تلاوت کن تا روح منجذب و قلوب کلّ مردمان نیز از نعمات تو منجذب شود و کسی که در خانه خود به تنهایی آیات خدا را تلاوت کند قطعاً فرشتگان رایحه آن را به جمیع جهات منتشر می‌کنند و هر نفس سلیمی با آن منقلب شود حتی اگر خودش نفهمد ولی روزی این فضل بر او ظاهر شود، اینچنین امور پنهان از طرف خداوند مقدر و حکیم مقدّر شد.

۱. معنی خواندن با «نعمات» چیست؟ _____

۲. آیات و آثار الهی را چگونه باید تلاوت کنیم؟

۳. معنی کلمه «یقرء» چیست؟

۴. معنی کلمه «ینشر» چیست؟

۵. حلاوت نغمات ما چه تأثیری بر روح خود ما خواهند داشت؟

۶. حلاوت نغمات ما چه تأثیری بر قلوب دیگران خواهند داشت؟

بخش هفتم

شاید بخواهید دو بیان زیر از یکی از نمازهای نازله از قلم حضرت بهاءالله را از بر نمایید:

«الهی الهی لاتنظر الی آمالی و اعمالی بل الی ارادتک الّتی احاطت السّموات و الارض. واسمک
الاعظم یا مالک الامم ما اردت الا ما اردته ولا احب الا ما تحب»^{۱۳}

مضمون: خداوندا به آرزوها و اعمال من منگربلکه به اراده خود که بر زمین و آسمانها احاطه دارد نظر
نما. قسم به اسم اعظم تو ای کسی که مالک امتها هستی، اراده ای جز اراده تو ندارم و جز آنچه تو
دوست داری دوست ندارم.

«سبحانک من ان تصعد الی سماء قریک اذکار المقربین او ان تصل الی فناء بابک طیور افئدة المخلصین. اشهد انک کنت مقدّساً عن الصّفات و منزّهاً عن الأسماء. لا اله الا انت العلیّ الابهی» ۱۴

مضمون: پاکی از اینکه اذکار مقربان به آسمان قرب تو رسد و یا پرندگان افئدة مخلصان به درگاهت واصل گردد. گواهی می‌دهم که تو از هر اسمی و صفتی منزّه و مقدّسی. جز تو خدای علیّ ابهائی نیست.

بخش هشتم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«شایسته است که بنده به سوی پروردگار دعا و طلب مساعدت کند و به التماس و استغاثه از او مدد جوید. این است رتبه عبودیت و پروردگار هر آنچه بخواهد طبق حکمت کاملش حکم می‌کند.» ۱۵ (ترجمه)

ایشان توضیح می‌دهند:

«روح قوّه نافذه دارد و همچنین دعا و مناجات تأثیر روحانی دارد. لذا دعا می‌کنیم 'خدایا این مریض را شفا بخش' شاید خداوند اجابت نماید، آیا مهم است که چه فردی این دعا را می‌خواند؟ خداوند دعای هر بنده‌ای را اجابت می‌نماید اگر به حالت تضرّع و ابتهال باشد. فضل او بی‌انتهاست. دعای همه بندگان خود را اجابت می‌کند. دعای این گیاه را که بالقوّه مناجات می‌کند 'خدایا بر من باران بفرست' خداوند دعای او را اجابت می‌کند و گیاه رشد می‌کند. خداوند دعای همه را اجابت خواهد کرد.» ۱۶ (ترجمه)

طبیعی است که در ادعیه خود از خداوند بخواهیم نیازهای ما را برآورده سازد. بنا بر این برای سلامتی خود و سلامتی عزیزان خود دعا می‌کنیم، برای پیشرفت روحانی و مادی خانواده‌های خود دعا می‌کنیم و برای کسب هدایت دعا می‌کنیم. قوّت می‌خواهیم، ایمان می‌خواهیم، تأیید در مسیر خدمت می‌خواهیم. البتّه در دعا به درگاه خداوند باید به یاد داشته باشیم که هدف ما در زندگی هم‌سو کردن اراده خودمان با اراده الله

است. پس باید دعا کنیم اراده‌اش انجام شود و آماده باشیم که تسلیم اراده الله شویم. اگر کلمات زیر از حضرت عبدالبهاء را از بر کنید، در همه اوقات منشأ سرور و اطمینان شما خواهند بود:

«ای متوجّه الی الله چشم از جمیع ما سوی بر بند و به ملکوت ابهی برگشا آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب به نظری صد هزار حاجات روا نماید و به التفاتی صد هزار درد بی درمان دوا کند به انعطافی زخم‌ها را مرهم نهد و به نگاهی دل‌ها را از قید غم برهاند آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است پس سر تسلیم نه و توکل بر ربّ رحیم به».^{۱۷}

بخش نهم

از تمام آنچه تا این لحظه مطالعه کرده‌ایم واضح است که رو کردن به خداوند در حال دعا از ضرورت‌های حیاتی زندگی روحانی است. به طور خاص چه شیرین است دعا کردن به سوی پروردگار پس از بیدار شدن از خواب در صبح و قبل از به خواب رفتن در شب. زمانی که هر روز صرف دعا و مناجات می‌نماییم و تعداد دعا و مناجات‌هایی که می‌خوانیم به نیازها و عطش روحانی ما بستگی دارد. به تناسب موقعیت می‌توانیم از بین مناجات‌های بسیاری که حضرت بهاء الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء نازل فرموده‌اند انتخاب کنیم. با این حال، حضرت بهاء الله سه نماز روزانه واجب نیز نازل فرموده‌اند. حضرت ولی امر الله می‌فرمایند:

«سه صلات روزانه نازل شده است. صلات صغیر شامل یک آیه است که در هر بیست و چهار ساعت یکبار حین زوال باید تلاوت شود. صلات وسطی که با این کلمات شروع می‌شود که 'شهد الله انه لا اله الا هو' باید سه بار در روز تلاوت شود، در بکور و زوال و اصيل. این صلات با حالات و حرکات فیزیکی معینی همراه است. صلات کبیر که مفصلترین این سه نماز است باید یکبار در هر بیست و چهار ساعت در هر حین که انسان تمایل به اداء آن داشته باشد تلاوت شود.

فرد مؤمن در انتخاب یکی از این سه صلات کاملاً مختار است، اما موظف است یکی از آنها را ادا کند و شرایط و دستورات لازمه معینه مربوط به آن را تبعیت نماید.»^{۱۸} (ترجمه)

ایشان چنین ادامه می دهند:

«حضرت بهاءالله برای این سه صلات روزانه و چند ادعیه مخصوص دیگر، مانند لوح شفاء و لوح احمد قوه و تأثیر و اهمّیت خاصی قائل شده اند. بدین جهت باید افراد احباء آنها همین گونه بپذیرند و بالاتردید با ایمان و اطمینان کامل تلاوت نمایند تا از طریق آن به خداوند تقرّب بیشتر جویند و کامل تر از پیش با احکام و اوامرش همراه و همدل باشند.»^{۱۹} (ترجمه)

سه نماز واجب که حضرت بهاءالله نازل فرموده اند به صورت فردی تلاوت می شوند. آن نوع نماز جماعت که شامل تلاوت نماز واجب روزانه در گروه و مطابق مناسکی خاص است در آئین بهائی وجود ندارد. نماز میّت تنها نماز جماعتی است که در احکام بهائی مقرر شده است. این نماز باید پیش از خاک سپاری توسط یکی از حضار تلاوت شود، در حالی که بقیّه گروه در سکوت می ایستند.

۱. معنی کلمه «واجب» چیست؟ _____

۲. حضرت بهاءالله چند نماز روزانه واجب نازل فرموده اند؟ _____

۳. آیا باید هر سه نماز را در هر روز تلاوت کنیم؟ _____

۴. اگر انتخاب کنیم که صلات کبیر را تلاوت نماییم، باید چند بار در روز آن را ادا کنیم؟ _____

۵. اگر انتخاب کنیم که صلات وسطی را تلاوت نماییم، چند بار؟ _____

۶. اگر انتخاب کنیم که صلات صغیر را تلاوت نماییم، باید چند بار؟ _____

۷. برخی دعاها را که قدرت خاصی دارند ذکر کنید: _____

۸. صلات صغیر را اگر تا حال از بر نکرده‌اید از بر نمایید:

«أشهد يا الهی بانك خلقتنی لعرفانك و عبادتك أشهد فی هذا الحین بعجزی و قوّتك و ضعفی و اقتدارك و فقري و غنائك لا إله إلا أنت المهيمن القيوم»^{۲۰}

مضمون: ای پروردگار من، گواهی می‌دهم به این که مرا برای عرفان و عبادت خود آفریدی. در این لحظه گواهی می‌دهم به عجز خویش و قوّت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و غنای تو. نیست خدایی جز تو که دادرس و پابرجایی.

۹. در این دعا به چه چیزی شهادت می‌دهیم؟

بخش دهم

باید به یاد داشته باشیم که علاوه بر مواهبی که از اطاعت حکم نماز دریافت می‌کنیم و تغذیه‌ای که از تلاوت سایر ادعیه به صورت فردی کسب می‌نماییم، روح ما از شنیدن تلاوت دعا و مناجات در جلسات بزرگ و کوچک نیز اهتزاز می‌یابد. حضرت بهاءالله به ما می‌فرماید:

«به نهایت سرور و دوستی جمع شوید و آیات نازل از قلم ربّ رحیم را تلاوت نمایید. ابواب عرفان حقیقی بر باطن شما مفتوح خواهد شد و نفس خود را مخصّص به استقامت و قلب خود را مملوّ از سرور خواهید یافت.»^{۲۱} (ترجمه)

همه ما از دانستن این مطلب عمیقاً مسرور می‌شویم که در سرتاسر عالم، هزاران هزار جلسات دعا و نیایش که در آنها دوستان و همسایگان گرد هم می‌آیند تا با پروردگار مؤانست جویند، به سرعت در حال تکثیر است. بیت العدل اعظم می‌فرماید:

«جلسات دعا فرصتی است که هر فردی می‌تواند با ورود به آن از نفحات روحانی مستفیض گردد، حلاوت دعا را تجربه نماید، در کلام خلاق الهی تأمل کند و با بال و پر روح پرواز نموده به راز و

نیاز با محبوب یکتا پردازد. در این جلسات است که احساس دوستی و هم‌دلی ایجاد می‌شود به خصوص ضمن گفتگوهای متعالی روحانی که طبعاً در چنین مواقعی پیش می‌آید و از طریق آن 'مداین قلوب' فتح می‌شود.»^{۲۲}

هنگامی که روح‌مان در اهتزاز است و به سراغ دعا خواندن می‌رویم، لحظه‌ای در سکوت صبر می‌کنیم تا ذهن خود را از امور این دنیا پاک نماییم. حین دعا، افکار خود را بر خداوند متمرکز نگاه می‌داریم. پس از تلاوت دعا و مناجات، مدّتی در سکوت می‌مانیم و بی‌درنگ به سراغ فعالیت دیگری نمی‌رویم. همین موضوع هنگامی که در جلسات به دعا‌های دیگران گوش فرا می‌دهیم صادق است. در چنین موقعیت‌هایی، حالت دعا را در خود حفظ می‌کنیم و کلمات را به دقت دنبال می‌کنیم چنان که گویی خودمان در حال تلاوت آن دعا هستیم.

۱. با چه روحی باید گرد هم آییم و آیات الهی را تلاوت کنیم؟

۲. تأثیر گرد هم آمدن ما به منظور تلاوت آیات الهی چه خواهد بود؟

۳. جلسات دعا فرصتی است که هر فردی می‌تواند

– با _____،

– _____،

– _____،

– _____،

– _____، و

– _____.

۴. در این جلسات چه احساسی ایجاد می‌شود؟

۵. تأثیر گفتگوهای متعالی روحانی که طبعاً در جلسات دعا پیش می‌آید چیست؟

۶. دربارهٔ حالت احترامی که باید هنگام دعا کردن، چه تنها و چه در جمع، از خود بروز دهیم چند کلمه بنویسید.

بخش یازدهم

تمرکز واحد اول این کتاب بر عادت خواندن نصوصی از آثار مبارکه در هر روز و اندیشیدن به معنای آنها بود. در اینجا دربارهٔ اهمیت دعا و مناجات تأمل کرده‌اید و در نتیجه عادت دعا و مناجات روزانه را در خود تقویت نموده‌اید. بخش قبل شما را متوجه اهمیت عبادت جمعی نمود. تمام آنچه تا حال مطالعه کرده‌اید شما را آماده ساخته تا در صورت تمایل، یکی از اولین اقدامات در مسیر خدمت را عهده‌دار شوید: میزبانی یک جلسهٔ دعا.

به عنوان یک گام اولیه، احتمالاً مایلید چندین دعا و مناجات را از بر کنید و فرصتی بیابید تا آنها را با چند دوست در میان گذارید. در عین حال، می‌توانید اطمینان حاصل کنید که در حدّ اقل یک جلسهٔ دعا در

جامعه خود شرکت می‌کنید و از جمله حامیان پرشور آن به شمار می‌آیید. سپس در نهایت شاید تصمیم بگیرید که خودتان میزبانی یک جلسه دعا را بر عهده گیرید و از دوستان، اعضای خانواده و همسایگان خود دعوت کنید تا برای دعا و الفت به طور منظم گرد هم آیند. غیرمعمول نیست که دو یا سه شرکت‌کننده در این دوره درسی یک جلسه دعا را با هم آغاز نمایند.

همان‌طور که می‌توانید تصوّر کنید، هیچ فرمولی برای نحوه سازماندهی یک جلسه دعا وجود ندارد. اما روشن است که در جلسه دعا دوستانی گرد هم می‌آیند و دعا و مناجات تلاوت می‌شود، نصوصی از آثار مبارکه خوانده می‌شود، مکالماتی روح‌افزا انجام می‌گیرد و فضایی مشخصاً روحانی در آن حاکم است. آیا می‌توانید در باره هر یک از اندیشه‌های زیر در بستر میزبانی یک جلسه دعا چند کلمه بگویید؟

دعوت گرم و محبت‌آمیز: _____

ایجاد یک جوّ پذیرا: _____

حفظ فضایی سرشار از حرمت و احترام: _____

ترویج الفت مسرت‌بخش: _____

تشویق به مکالماتی که از نظر روحانی روح افزا هستند: _____

مراجع

۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۶۷.
۲. حضرت بهاء الله در امانت: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار بهائی [Trustworthiness: A Compilation of]، گردآوری دارالتحقیق بیت العدل اعظم (لندن: انتشارات بهائی، ۱۹۸۷)، شماره ۲۱، ص ۵ (ترجمه).
۳. حضرت بهاء الله، آثار قلم‌اعلی، جلد ۳، هفت وادی.
۴. خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، صص ۵۷-۵۸.
۵. حضرت بهاء الله، کلمات مکنونه عربی، شماره ۱۳.
۶. از توقیعی مورخ ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از افراد احبّا، منتشر شده در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، گردآوری دارالتحقیق بیت العدل اعظم (ویلیمت: انتشارات بهائی، ۲۰۱۹)، شماره ۷۱، ص ۳۱ (ترجمه).
۷. بیانات حضرت عبدالبهاء، نقل توسط ج. ای. اسلمنت در بهاء الله و عصر جدید، ص ۱۱۰.
۸. بیانات حضرت عبدالبهاء، نقل توسط ج. ای. اسلمنت در بهاء الله و عصر جدید، ص ۱۱۰.
۹. حضرت بهاء الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۷۰.
۱۰. حضرت بهاء الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۷۲.
۱۱. بیانات حضرت عبدالبهاء، نقل در نجم باختر [Star of the West]، جلد ۸، شماره ۴ (۱۷ مه ۱۹۱۷)، ص ۴۱ (ترجمه).
۱۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۹.
۱۳. حضرت بهاء الله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۷۱-۷۲.
۱۴. حضرت بهاء الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۷۰.
۱۵. حضرت عبدالبهاء در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the

- (ویلمت: انتشارات بهائی، ۲۰۱۹)، شماره ۲۴، ص ۷ (ترجمه).
۱۶. از خطابه‌ای مورخ ۵ اوت ۱۹۱۲ منتشر شده در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، گردآوری دارالتحقیق بیت العدل اعظم (ویلمت: انتشارات بهائی، ۲۰۱۹)، شماره ۷۹، ص ۳۶ (ترجمه).
۱۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۴۹.
۱۸. از توقیعی مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا، منتشر شده در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، گردآوری دارالتحقیق بیت العدل اعظم (ویلمت: انتشارات بهائی، ۲۰۱۹)، شماره ۶۱، ص ۲۵ (ترجمه).
۱۹. از توقیعی مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا، نقل در ادعیه بهائی: گزیده‌ای از ادعیه نازلّه توسط حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء [Bahá'í Prayers: A Selection of Prayers Revealed by Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá]، (ویلمت: انتشارات بهائی، ۲۰۰۲، چاپ ۲۰۱۷)، ص ۳۰۱ (ترجمه).
۲۰. حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۸۴.
۲۱. حضرت بهاء‌الله در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، گردآوری دارالتحقیق بیت العدل اعظم (ویلمت: انتشارات بهائی، ۲۰۱۹)، شماره ۶۸، ص ۲۹ (ترجمه).
۲۲. از ترجمه‌ای از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای.



زندگی و مرگ

هدف

درک این مطلب که زندگی فقط تغییرات و فرصت‌های
موجود در این جهان نیست بلکه اهمیّت حقیقی آن در
پرورش روح است.

بخش اوّل

روح انسان از مادّه و دنیای فیزیکی متعالی است. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود توضیح می دهند:

«چون به سائر کائنات نظر کنی واضح است که ترکیب عناصر مختلفه است. لهذا این ترکیب مبدل به تحلیل می شود. مثلاً جسم انسانی از عناصر متعدده مرکّب است ولی این ترکیب دائمی نیست لابد تحلیل می شود چون تحلیل یابد آن وقت انعدام جسم است... اما روح انسانی ترکیب نیست از عناصر مختلفه نیست بلکه مجرد از عناصر است و مقدس از طبایع چون مرکب از عناصر نیست اینست که حی و باقیست و در نشئه ابدیست.»^۱

۱. معنی «مرکّب» چیست؟ _____
۲. آیا روح انسان، مانند اجسام مادی، مرکّب از عناصر مختلف است؟ _____
۳. آیا روح انسان یک موجود فیزیکی است؟ _____

بخش دوم

در توقیعی از طرف حضرت ولیّ امرالله آمده که «روح انسان از زمان لقاح به وجود می آید»^۲ (ترجمه). بیت العدل اعظم در پاسخ به سؤالی از معنای «لقاح» اشاره می فرماید:

«از آثار بهائی مطلبی یافت نشده که لحظه و ماهیّت زیست شناختی رویدادی را که تحت عنوان 'لقاح' توصیف شده دقیقاً تعریف کند. به نظر می آید که این اصطلاح در زمینه پزشکی نیز تعریف دقیقی ندارد. در واقع، یک برداشت از لقاح آن است که همزمان با بارور شدن نطفه رخ می دهد. اما برداشت دیگر آن است که لقاح پس از باروری نطفه و اتصال آن به رحم رخ می دهد و آغاز بارداری است. بنابراین، احتمال دارد دانستن زمان تعلّق یافتن روح به جسم مادی غیرممکن باشد و چنین سؤالاتی ممکن است با فکر یا پژوهش بشر قابل حل نباشند، زیرا به اسرار عالم روحانی و ماهیّت خود روح مربوط می شوند.»^۳ (ترجمه)

۱. روح انسان چه زمان به وجود می‌آید؟ _____

۲. آیا اصطلاح «لقاح» یک لحظه دقیق زیست‌شناختی را توصیف می‌کند؟ _____

بخش سوم

ارتباط بین روح و جسم مادی نیست؛ روح داخل جسم یا از آن خارج نمی‌شود و فضای فیزیکی اشغال نمی‌کند. تعلّق آن به جسم شبیه تعلّق نور به آینه‌ای است که آن را منعکس می‌نماید. نوری که در آینه ظاهر می‌شود درون آن نیست. به همان ترتیب، روح درون جسم نیست. چنان که حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرمایند:

«نفس ناطقه یعنی روح انسانی قیام حلول به این جسد ندارد یعنی در این جسد داخل نه زیرا حلول و دخول از خصائص اجسام است و نفس ناطقه مجرد از آن از اصل داخل در این جسد نبوده تا بعد از خروج محتاج به مقرّی باشد بلکه روح به جسد تعلّق داشته مثل تعلّق این سراج در آئینه چون آئینه صافی و کامل نور سراج در آن پدیدار و چون آئینه غبار برداشت یا آنکه شکست نور مخفی ماند.»^۴

۱. جاهای خالی را در جملات زیر پر کنید.

الف. نفس ناطقه یعنی _____ قیام حلول باین جسد ندارد یعنی _____.

ب. _____ یعنی روح انسانی در جسد داخل نمی‌شود، زیرا حلول و دخول _____ است و نفس ناطقه _____.

ج. روح از اصل _____ نبوده تا بعد از خروج محتاج به _____ باشد.

د. روح به جسد تعلّق داشته مثل تعلّق _____.

ه. چون آئینه صافی و کامل _____ در آن پدیدار.

و. چون آئینه غبار برداشت یا آنکه شکست _____.

۲. براساس آنچه تا حالا مطالعه کردیم، تعیین کنید که موارد زیر درست است یا خیر:

_____ روح متعلّق به عالم فیزیکی نیست.

_____ روح درون جسم است.

_____ جسم صاحب روح است.

_____ روح ابدی است.

_____ آغاز وجود انسان زمانی است که روح به جنین تعلّق می‌یابد.

_____ زندگی زمانی شروع می‌شود که فرد در این دنیا متولّد می‌شود.

_____ وجود مادی فرد بعد از مرگ ادامه می‌یابد.

_____ زندگی متشکّل از اموری است که هر روز برای ما اتفاق می‌افتد.

۳. از تمثیل نور و آینه استفاده کنید تا رابطه بین روح و جسم را توصیف نمایید: _____

بخش چهارم

رابطه بسیار خاصی بین روح و جسم وجود دارد و آن دو با هم یک انسان را تشکیل می‌دهند. این رابطه فقط در مدّت حیات فانی ادامه می‌یابد. هنگامی که تعلّق میان روح و جسم متوقّف می‌شود، هریک به مبدأ خود بازمی‌گردد: جسم به عالم خاک و روح به عوالم روحانی الهی که در آنها به ترقّی ادامه می‌دهد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«روح انسانی را بدایت است ولی نهایت نه الی الأبد باقی است».^۵

ایشان در یکی از خطابات خود چنین توضیح می دهند:

«روح محتاج به جسم نیست جسم محتاج به روح است روح به جسم زنده نیست جسم به روح زنده است»^۶

حضرت ولی امرالله نیز چنین توضیح می دهند:

«در خصوص روح انسانی: طبق تعالیم بهائی، روح انسان با تشکیل جنین انسان شروع می شود و پس از مفارقت از جسم، به ترقی خود ادامه می دهد و از مراحل لایتناهی وجود می گذرد. لذا پیشرفت آن نامحدود است.»^۷

۱. با در ذهن داشتن نصوص بالا، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. آیا جسم محتاج به روح است؟ _____

ب. آیا روح محتاج به جسم است؟ _____

ج. وقتی می میریم برای رابطه بین جسم و روح چه اتفاقی می افتد؟ _____

د. پس از مرگ، چه اتفاقی برای روح می افتد؟ _____

ه. ترقی روح چه مدت ادامه دارد؟ _____

و. زندگی چه وقت پایان می یابد؟ _____

۲. تعیین کنید کدام یک از موارد زیر با آنچه در این بخش ها مطالعه کردیم مطابقت دارد:

_____ مرگ مجازات است.

_____ ارتباط بین جسم و روح فقط در مدت حیات فانی ادامه می یابد.

- _____ جسم قادر به پیشرفت ابدی است.
- _____ روح تا همیشه ترقّی خواهد نمود.
- _____ مرگ پایان زندگی است.
- _____ یوم جزایی خواهد بود که در آن اجسام ما قیام خواهند کرد.
- _____ هنگام مرگ، روح نسبت به قبل، آزادی بیشتری دارد.
- _____ زندگی با مرگ پایان می‌یابد.
- _____ باید از مرگ بترسیم.
- _____ غذا، پوشاک، استراحت و تفریح برای روح ضروری هستند.
- _____ وقتی جسم انرژی خود را مصرف می‌کند، روح خسته می‌شود.
- _____ روح از بیماری یا ضعف جسم تأثیر نمی‌پذیرد.
- _____ انسان پس از مرگ هنوز نیازهای فیزیکی خواهد داشت.

بخش پنجم

دیدهایم که روح، برخلاف موجودات مادی، فضای فیزیکی اشغال نمی‌کند و طبق قوانین طبیعت عمل نمی‌نماید. روح به وسیله جسم در عالم تأثیر می‌گذارد، اما این تنها شیوه‌ای نیست که روح به واسطه آن قوای خود را به کار می‌گیرد. حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«اوست آیتی که از دخول و خروج مقدّس است و اوست ساکن طائر و سائر قاعد».^۸

همچنین حضرت عبداله‌بهاء به ما می‌فرمایند:

«بدان که تصوّف و ادراک روح انسانی بر دو نوع است یعنی دو نوع افعال دارد دو نوع ادراک دارد یک نوع به واسطه آلات و ادوات است مثل این که به این چشم می‌بیند به این گوش می‌شنود به این زبان تکلم می‌نماید....»

نوع دیگر از تصرّفات و اعمال روح بدون آلات و ادوات»۹.

۱. جاهای خالی را در جملات زیر پر کنید:

الف. روح انسان آیتی است که از _____ و _____ مقدّس است.

ب. روح _____ است.

ج. روح _____ است.

۲. دوروشی که روح به واسطه آنها ادراک می‌کند و در این عالم تأثیر می‌گذارد توضیح دهید: _____

۳. آیا می‌توانید از تأثیرات و کارهایی که روح بدون اسباب جسمانی دارد مثال‌هایی بزنید؟ _____

بخش ششم

حال در پرتو گفتگوهای بخش‌های قبل، بیان زیر از آثار حضرت بهاء‌الله را بخوانید:

«معلوم آن جناب بوده که روح در رتبه خود قائم و مستقرّ است و این که در مریض ضعف مشاهده می‌شود به واسطه اسباب مانع بوده و الا در اصل ضعف به روح راجع نه مثلاً در سراج ملاحظه نمائید مضیء و روشن است و لکن اگر حائلی مانع شود در این صورت نور او ممنوع مع آنکه در رتبه خود مضیء بوده و لکن به اسباب مانع اشراق نور منع شده و همچنین مریض در حالت مرض ظهور قدرت و قوّت روح به سبب اسباب حائله ممنوع و مستور و لکن بعد از خروج از بدن به قدرت و قوّت و

غلبه‌ای ظاهر که شبه آن ممکن نه و ارواح لطیفه طیبه مقدسه به کمال قدرت و انبساط بوده و خواهند بود.»^{۱۰}

۱. به زبان خود توضیح دهید که چطور روح در رتبه خود قائم و مستقر است و تحت تأثیر ضعف جسم یا ذهن قرار نمی‌گیرد. هنگام جدا شدن روح از بدن چه چیزی معلوم خواهد شد.

۲. آیا پس از مرگ کالبد جسمانی، فردیت مان را حفظ خواهیم کرد؟

بخش هفتم

حضرت بهاءالله به ما می‌فرماید:

«وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْ الرُّوحِ وَبَقَائِهِ بَعْدَ صُعُودِهِ فَأَعْلَمُ أَنَّهُ يَصْعَدُ حِينَ ارْتِقَائِهِ إِلَى أَنْ يَحْضُرَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فِي هَيْكَلٍ لَا تَغْيِرُهُ الْقُرُونُ وَالْأَعْصَارُ وَلَا حَوَادِثُ الْعَالَمِ وَمَا يَظْهَرُ فِيهِ وَيَكُونُ بَاقِيًا بَدَوَامَ مَلَكُوتِ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ وَجَبْرُوتِهِ وَاقْتِدَارِهِ وَمَنْهُ تَظْهَرُ آثَارُ اللَّهِ وَصِفَاتِهِ وَعَنَايَةُ اللَّهِ وَالطَّافَةُ.»^{۱۱}

مضمون: این که از روح و بقای آن بعد از صعودش سؤال نمودی، بدان که زمان صعود همچنان به پیش می‌رود تا با هیکلی که قرون و اعصار و حوادث عالم در آن تغییری نمی‌دهد در محضر خداوند حاضر شود و تا ملکوت و سلطنت و جبروت و اقتدار الهی ادامه دارد باقی می‌ماند و آثار و صفات و عنایت و الطاف خداوندی از او ظاهر می‌شود.

۱. روح پس از مرگ جسمانی تا چه زمان به پیش می‌رود؟

۲. روح سفر ابدی خود تا محضر خداوند را در چه حالتی ادامه خواهد داد؟

۳. برخی خصائل و آثاری که روح در آن حالت ظاهر خواهد ساخت چیست؟

۴. براساس آنچه تا حال مطالعه کردیم، تعیین کنید که آیا موارد زیر درست است یا خیر:
_____ ملکوت الهی برای همیشه تداوم خواهد یافت.
_____ روح قابلیت ظاهر ساختن خصائل الهی را دارد.
_____ دعا و مناجاتی که برای درگذشتگان می‌خوانیم بر ترقی روح آنها تأثیر نمی‌گذارد.
_____ زندگی روح هرگز متوقف نمی‌شود.

بخش هشتم

حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«اذن واعیة طاهرة مقدّسه در جمیع احیان از کلّ اشیاء کلمه مبارکه انا لله و انا الیه راجعون اصغاء می‌نماید. اسرار موت و رجوع مستور بوده و هست...
موت از برای موقنین به مثابه کأس حیوان است فرح بخشد و سرور آرد و زندگانی پاینده عطا فرماید...
مخصوص نفوسی که به ثمره خلقت که عرفان حقّ جلّ جلاله است فائز شده‌اند این مقام را بیانی دیگر و ذکری دیگر است. العلم عندالله ربّ العالمین»^{۱۲}

«يَا ابْنَ الْعَمَاءِ، جَعَلْتُ لَكَ الْمَوْتَ بَشَارَةً، كَيْفَ تَحْزَنُ مِنْهُ. وَجَعَلْتُ النُّورَ لَكَ ضِيَاءً، كَيْفَ تَحْتَجِبُ عَنْهُ.»^{۱۳}

مضمون: ای پسر عما، مرگ را برای تو بشارتی قرار دادم، چطور از آن محزون می‌شوی؟ و نور را برای تو روشنی قرار دادم، چطور از آن محتجب می‌گرددی؟

۱. کدام یک از گزاره‌های زیر درست است؟

_____ منشأ روح انسان خداوند است و به او بازخواهد گشت.

_____ تمام دانش مربوط به حیات پس از مرگ نزد خداست.

_____ برای موقنین، مرگ زندگی است.

_____ مرگ فرح و سرور می‌آورد.

_____ اسرار موت را همه می‌دانند.

_____ ما باید مواهب زندگی را قدر بدانیم، اما از مرگ نترسیم، زیرا مرگ بشارت است.

_____ اهمیتی ندارد که در باره زندگی پس از مرگ بدانیم.

۲. حال با در ذهن داشتن آنچه در این بخش‌ها مطالعه کردیم، پاراگراف کوتاهی درباره زندگی، مرگ، جسم و روح بنویسید.

بخش نهم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«در بدایت حیاتش انسان در عالم رحم بود و در عالم رحم استعداد و لیاقت و ترقّی به این عالم حاصل کرد و قوایی که در این عالم لازم بود در آن عالم تحصیل نمود. چشم لازم داشت در این عالم در عالم رحم حاصل نمود گوش لازم داشت در این عالم در عالم رحم پیدا کرد جمیع قوایی که در این عالم لازم بود در عالم رحم تحصیل کرد در عالم رحم مهیای این عالم شد. و به این عالم که آمد دید که جمیع قوای لازمه مهیّا است جمیع اعضا و اجزایی که از برای این عالم حیات لازم دارد در آن عالم حاصل نموده. پس در این عالم نیز باید تهیّه و تدارک عالم بعد را دید و آنچه در عالم ملکوت محتاج باید تهیّه و تدارک آن در اینجا بیند همچنان که در عالم رحم قوایی که در این عالم محتاج به آن است پیدا نمود همچنین لازم است که آنچه در عالم ملکوت لازم یعنی جمیع قوای ملکوتی را در این عالم تحصیل بکند.»^{۱۴}

۱. تعیین کنید آیا موارد زیر درست هستند یا خیر:

_____ جمیع قوایی که در این عالم لازم است در عالم رحم به دست می آید.

_____ نیازی نیست که خود را برای زندگی در عالم بعد آماده کنیم.

_____ آنچه در عالم ملکوت لازم است باید در آنجا به دست آوریم.

_____ هدف از این زندگی کسب قوای لازم برای زندگی در عالم بعد است.

_____ زندگی حقیقی زمانی شروع می شود که فرد می میرد و به عالم ملکوت می رود.

_____ زندگی حقیقی در این عالم شروع می شود و پس از مرگ فیزیکی ادامه می یابد.

۲. برخی قابلیت‌هایی که انسان در عالم رحم به دست می‌آورد چیست؟

۳. برخی مواهبی که باید در اینجا برای زندگی پس از مرگ کسب نمود چیستند؟

بخش دهم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

«اصل الیوم اخذ از بحر فیوضات است دیگر نباید نظر به کوچک و بزرگی ظروف باشد، یکی کفی
اخذ نموده و دیگری کاسی و همچنین دیگری کوبی و دیگری قدری.»^{۱۵}

۱. در پرتو نصّ بالا، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. الیوم وظیفه هر فرد چیست؟

ب. بعضی مواهبی که از خدا دریافت نموده‌اید چیست؟

ج. کلمه «ظرف» در نصّ بالا به چه چیز اشاره دارد؟

د. چرا نباید «کوچک و بزرگی» قابلیت‌هایی که به ما عطا شده را در نظر بگیریم؟

۵. برخی چیزهایی که ما را از دریافت سهم خود از فیوضات الهی منع می‌کند چیست؟ _____

۲. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ «کوچک و بزرگی» قابلیت ما به میزان هوش ما اشاره دارد.

_____ برای خدمت به خداوند، لازم است ضعف‌های خود را فراموش کنیم و نهایت توکل را به او بنماییم.

_____ اگر در این عالم قابلیت‌هایی که خداوند به ما عطا کرده را پرورش ندهیم، روح ما هنگام رسیدن به عالم بعد ضعیف خواهد بود.

بخش یازدهم

حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«اینکه از حقیقت نفس سؤال نمودید، انّها آیه الهیّة و جوهره ملکوتیّة الّتی عجز کلّ ذی علم عن عرفان حقیقتها و کلّ ذی عرفان عن معرفتها. انّها اوّل شیء حکمی عن الله موجد و اقبل الیه و تمسّک به و سجد له.»^{۱۶}

مضمون بخش عربی: نفس یا روح نشانه‌ای الهی است و جوهری ملکوتی است که هر عالمی از عرفان حقیقت آن و هر هوشمندی از معرفت آن عاجز است. اولین موجودی است که از خداوندی که آن را به وجود آورده حکایت کرد، به او روی آورد و تمسک ورزید و سجده کرد.

۱. جاهای خالی در جملات زیر را پر کنید:

الف. روح _____ الهی است.

ب. روح _____ است که هر عالمی از عرفانِ _____ آن و هر عارفی از _____ آن عاجز است.

ج. روح _____ است که _____ حکایت کرد.

د. روح اولین موجودی است که به خداوند _____.

ه. روح اولین موجودی است که به خداوند _____.

و. روح اولین موجودی است که به خداوند _____.

۲. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ «عرفان» یعنی شناختن.

_____ در میان تمام موجودات، اولین موجودی که به عرفان الهی فائز شد مغز انسان است.

_____ انسان عالم حقیقت روح را می فهمد.

_____ تنها فلاسفه بزرگ می توانند از کمال الهی حکایت کنند.

_____ فکر کردن در باره روح ضروری نیست، زیرا هرگز نخواهیم توانست آن را درک کنیم.

بخش دوازدهم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«مثل شما مثل طیری است که به اجنحه منیعه در کمال روح و ریحان در هواهای خوش سبحان با نهایت اطمینان طیران نماید و بعد به گمان دانه به آب و گل ارض میل نماید و به حرص تمام خود

را به آب و تراب بیالاید و بعد که اراده صعود نماید خود را عاجز و مقهور مشاهده نماید چه که اجنحه آلوده به آب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود در این وقت آن طایر سماء عالیّه خود را ساکن ارض فانیّه بیند. حال ای عباد پره‌ای خود را به طین غفلت و ظنون و تراب غلّ و بغضاء میالایید تا از طیران در آسمان‌های قدس عرفان محروم و ممنوع نمایید.»^{۱۷}

۱. جملات زیر را کامل کنید.

الف. طیر یا پرنده‌ای که حضرت بهاءالله در این نص به آن اشاره می‌فرماید _____ است.

ب. این طیر ساکن _____ است.

ج. اگر بال‌های پرنده آلوده باشد، او مجبور است در _____ سکنی گزیند.

۲. حال به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. «اجنحه» روح چطور «آلوده» می‌شود؟ _____

ب. بعضی چیزهایی که مانند «آب و گل ارض» بر بال‌های روح سنگینی می‌کند چیست؟ _____

ج. بعضی چیزهایی که می‌تواند ما را از طیران در آسمان‌های قدس عرفان منع کند چیست؟ _____

د. روح یک انسان چرا خانه آسمانی خود را با طین این عالم معاوضه می‌نماید؟ _____

۳. تعیین کنید که آیا گزاره‌های زیر درست است یا خیر:

- _____ تعلّقات دنیوی ما را از ترقّی روحانی باز می‌دارد.
- _____ غفلت و ظنون‌مان ما را از پرواز در آسمان‌های قدس عرفان باز می‌دارد.
- _____ غل و بغضا از خصایص طبیعی انسان هستند و ثقلی به روح وارد نمی‌آورند.
- _____ با انقطاع و گسستن از شئون این دنیا می‌توانیم خود را از آنچه بر ما سنگینی می‌کند و ما را از طیران در هواهای خوش سبحان منع می‌کند برهانیم.
- _____ خانه روح در این عالم است.

بخش سیزدهم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

«و بعد از خلق کلّ ممکنات و ایجاد موجودات به تجلّی اسم یا مختار انسان را از بین امم و خلائق برای معرفت و محبّت خود که علّت غائی و سبب خلقت کائنات بود اختیار نمود... زیرا کینونت و حقیقت هر شیء را به اسمی از اسماء تجلّی نمود و به صفتی از صفات اشراق فرمود مگر انسان را که مظهر کلّ اسماء و صفات و مرآت کینونت خود قرار فرمود و به این فضل عظیم و مرحمت قدیم خود اختصاص نمود.»^{۱۸}

۱. جاهای خالی در زیر را پر کنید.

- الف. خداوند انسان را از بین امم و خلائق برای _____ اختیار نمود.
- ب. خداوند کینونت و حقیقت _____ شیء را به _____ تجلّی نمود و به _____ اشراق فرمود.
- ج. خداوند انسان را که مظهر _____ و مرآت _____ قرار فرمود.

۲. حال به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. آیا می‌توانید بعضی صفات الهی را ذکر کنید؟ _____

ب. برخی صفات الهی که روح انسان می‌تواند انعکاس دهد چیست؟ _____

ج. این صفات چگونه می‌توانند ظاهر شوند؟ _____

د. چه فضل عظیمی به انسان اختصاص داده شده است؟ _____

۳. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ انسان از بقیه خلقت متمایز نیست.

_____ قابلیت عرفان خداوند و حبّ او علت غائی و سبب خلقت کائنات است.

_____ حقیقت هر شیء مظهر یکی از صفات الهی است.

_____ روح انسان می‌تواند همه صفات الهی را منعکس سازد.

بخش چهاردهم

حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«این تجلیات انوار صبح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوبست چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و مجالی که از زنگ و غبار شئونات بشری تیره و مظلم گشته مخفی و مهجور است. حال این شمع و سراج را افروزنده باید و این مرایا و مجالی را صیقل‌دهنده شاید. و واضح است که تا ناری مشتعل ظاهر نشود هرگز سراج نیفروزد و تا آینه از زنگ و غبار ممتاز نگردد صورت و مثال و تجلی و اشراق شمس بی‌امس در او منطبق نشود».^{۱۹}

۱. معنی کلمه «مستور» چیست؟

۲. برخی قوا که در روح انسان مستور است چیست؟

۳. سراج چه قوای نهفته‌ای دارد؟

۴. مرآت چه قوای نهفته‌ای دارد؟

۵. برای آن که سراج بتواند نور بخشد چه باید کرد؟

۶. برای آن که مرآت بتواند نور را منعکس سازد چه باید کرد؟

۷. آیا سراج و مرآت می‌توانند قوای نهفته خود را به تنهایی ظاهر سازند؟

۸. چطور می‌توانیم این دو مثال را به حالات روح انسان ربط دهیم؟

۹. چه کسی می‌تواند کاری کند که روح انسان قوای نهفته خود را ظاهر سازد؟

بخش پانزدهم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

«سبیل کل به ذات قدم مسدود بوده و طریق کل مقطوع خواهد بود و محض فضل و عنایت شمس مشرقه از افق احدیه را بین ناس ظاهر فرموده و عرفان این انفس مقدّسه را عرفان خود قرار فرموده، من عرفهم فقد عرف الله و من سمع کلماتهم فقد سمع کلمات الله و من اقرّ بهم فقد اقرّ بالله و من أعرض عنهم فقد اعرض عن الله و من كفر بهم فقد كفر بالله و هم صراط الله بین السموات و الأرض و میزان الله فی ملکوت الأمر و الخلق و هم ظهور الله و حججه بین عباد و دلائله بین برّیه.»^{۲۰}

مضمون بخش عربی: کسی که مظاهر الهی را بشناسد خدا را شناخته است و هر که کلمات آنان را استماع کند کلمات خدا را استماع نموده، کسی که اقرار به آنان کند اقرار به خدا کرده و کسی که از آنان روی بگرداند از خداوند روگردان شده و کسی که به آنها کافر شود به خدا کافر گردیده است. آنان طریق الهی بین آسمان‌ها و زمین هستند و میزان او در ملکوت امر [مظهر ظهور] و در ملکوت خلق [مردمان]. آنها ظهور الهی و حجت‌های الهی بین مردمانند و رهبر و راهنمای بندگان.

۱. با در ذهن داشتن نصّ بالا، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. آیا امکان شناخت خدا به صورت مستقیم را داریم؟

ب. پس چطور می‌توانیم خدا را بشناسیم؟

ج. آیا می‌توانید بعضی از شمس مشرقه از افق هدایت احدیه را نام ببرید؟ _____

د. کسانی که به مظاهر ظهور الهی گوش فرا داده‌اند کلمات چه کسی را استماع نموده‌اند؟ _____

ه. وقتی از ندای مظاهر ظهور الهی غافل می‌شویم، از چه کسی روگردان شده‌ایم؟ _____

۲. جملات زیر را کامل کنید:

الف. سیل کل به ذات قدم _____ بوده.

ب. طریق کل به عرفان ذات قدم _____ خواهد بود.

ج. خداوند محض _____ و _____ مظاهر ظهور خود را بین ناس ظاهر فرمود.

د. عرفان مظاهر ظهور الهی را _____ قرار فرمود.

ه. من عرفهم فقد _____.

و. من سمع کلماتهم فقد _____.

ز. هم صراط الله _____

۳. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ از طریق مساعی خودمان به تنهایی می‌توانیم از نظر روحانی رشد نماییم.

_____ خدا به ما ذهن داده و ذهن برای پیشرفت ما کافی است.

_____ ما با شناختن مظهر ظهور الهی از نظر روحانی ترقّی خواهیم نمود و لازم نخواهد بود که تلاش بیشتری نماییم.

_____ ما با شناختن مظهر ظهور الهی و تلاش برای زندگی مطابق تعالیم آن حضرت، می‌توانیم از نظر روحانی ترقّی نماییم.

_____ می‌توانیم خدا را به صورت مستقیم بشناسیم.

_____ انسان می‌تواند درست مانند خدا شود.

_____ خداوند مقدّس از ادراک بشر است.

_____ وقتی به کلمات یکی از مظاهر ظهور الهی گوش فرا می‌دهیم، در حال استماع کلمات خدا هستیم.

بخش شانزدهم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

«انبیاء و مرسلین محض هدایت خلق به صراط مستقیم حق آمده‌اند و مقصود آنکه عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلی نمایند.»^{۲۱}

ایشان همچنین در بیانی دیگر می‌فرمایند:

«انسان طلسم اعظم است و لکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده به یک کلمه خلق فرمود و به کلمه اخری به مقام تعلیم هدایت نمود و به کلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود. حضرت موجود می‌فرماید 'انسان را به مثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد انتهی'.

اگر نفسی در کتب منزله از سماء احدیه به دیده بصیرت مشاهده نماید و تفکر کند ادراک می‌نماید که مقصود آنست جمیع نفوس نفس واحده مشاهده شوند تا در جمیع قلوب نقش خاتم الملک الله منطبع شود و شمس عنایت و اشراقات انجم فضل و رحمت جمیع را احاطه نماید.»^{۲۲}

۱. انبیاء و مرسلین محض چه هدفی آمده‌اند؟

۲. مقصود از ظهور ایشان چیست؟

۳. معنی کلمه «طلم» چیست؟

۴. نتیجه عدم تربیت مناسب چیست؟

۵. تربیت مناسب می‌تواند منجر به چه شود؟

۶. منبع «تعلیم» کیست؟

۷. مقام مقدّر ما چیست؟

۸. برخی احجاری که به تربیت ظاهر می‌شود چیست؟

۹. وقتی در آثار مقدّسه تفکّر می‌کنیم چه چیزی را ادراک می‌نماییم؟

بخش هفدهم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«و این که سؤال نمودید روح بعد از خراب بدن به کجا راجع می شود اگر به حق منسوب است به رفیق اعلی راجع لعمر الله به مقامی راجع می شود که جمیع السن و اقلام از ذکرش عاجز است هر نفسی که در امر الله ثابت و راسخ است بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض می نمایند».^{۲۳}

۱. جملات زیر را کامل کنید:

الف. اگر روح به حق منسوب است _____

ب. بمقامی راجع میشود که _____

ج. هر _____ که در _____ و _____ است بعد از _____ جمیع عوالم از _____ او _____

بخش هجدهم

حضرت بهاء الله به ما می فرمایند:

«طوبی لروح خرج من البدن مقدّساً عن شبهات الأمم أنّه يتحرّك في هواء ارادة ربّه و يدخل في الجنة العليا و تطوفه طلعات الفردوس الأعلى و يعاشر انبياء الله و اوليائه و يتكلّم معهم و يقصّ عليهم ما ورد عليه في سبيل الله ربّ العالمين».^{۲۴}

مضمون: خوشا به حال روحی که پاک از شبهات مردمان از بدن خارج شود. آن روح در هوای اراده پروردگار حرکت می نماید و به بهشت برین وارد می شود، فرشتگان عالم بالا دور او طواف می کنند

و با انبیا و اولیای الهی معاشر می‌شود و مکالمه می‌کند و آنچه در راه الهی بر سر آمده برای آنان نقل می‌نماید.

«و بر عاصیان قلم عفو درکشد و به حقارت ننگرد زیرا حسن خاتمه مجهول است. ای بسا عاصی که در حین موت به جوهر ایمان موفق شود و خمر بقا چشد و به ملأ اعلی شتابد. و بسا مطیع و مؤمن که در وقت ارتقای روح تقلیب شود و به اسفل درکات نیران مقرّیابد.»^{۲۵}

۱. روح ما هنگام خروج از بدن باید در چه حالتی باشد؟

۲. برخی از شبهات امم چیست؟

۳. روحی که مقدّس از شبهات امم است، پس از مرگ، در چه حالتی زندگی و حرکت خواهد نمود؟

۴. چه کسانی معاشر چنین روحی خواهند بود؟

۵. آیا چنین روحی خواهد توانست با انبیا و اولیای الهی مکالمه نماید؟

۶. آیا از قبل می‌دانیم که زندگی زمینی ما چگونه و چه زمان خاتمه خواهد یافت؟

۷. برای حصول به حیات ابدی که برای ما مقدّر شده حالا چه می‌توانیم انجام دهیم؟ _____

بخش نوزدهم

حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرمایند:

«و چون روح انسانی بعد از خلع این قالب عنصری حیات جاودانی دارد البتّه شیء موجود قابل ترقّی است. لهذا از برای انسان بعد از وفات طلب ترقّی و طلب عفو و طلب عنایت و طلب مبرّات و طلب فیوضات جائز است چه که وجود قابل ترقّی است این است که در مناجات‌های جمال مبارک به جهت آنان که عروج کرده‌اند طلب عفو و غفران شده است. و ازین گذشته همچنان که خلق در این عالم محتاج به حقّ هستند در آن عالم نیز محتاج هستند همیشه خلق محتاج است و حقّ غنی مطلق چه در این عالم و چه در آن عالم.»^{۲۶}

چرا باید برای ارواح درگذشتگان دعا کنیم؟

بخش بیستم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«روح انسانی چون از این خاکدان فانی به جهان رحمانی پرواز نماید پرده برافتد و حقایق آشکار گردد. جمیع امور مجهوله معلوم شود و حقایق مستوره محسوس گردد. ملاحظه نما که انسان در عالم رحم از گوش کر بود و از چشم نابینا و از زبان لال و از جمیع احساسات محروم و چون از آن جهان ظلمانی به این عالم روشن و نورانی انتقال نمود دیده بینا شد و گوش شنوا گشت و زبان گویا گردید. همچنین چون از این عالم فانی به جهان رحمانی شتابد ولادت روحانی یابد دیده بصیرت باز شود و سمع روح شنوا گردد و جمیع حقایق مجهوله معلوم و آشکار شود.»^{۲۷}

۱. جاهای خالی زیر را پر کنید.

الف. وقتی روح انسانی این عالم را ترک می‌کند

- پرده _____،
- و حقایق _____،
- جمیع امور مجهوله _____،
- و حقایق مستوره _____.

ب. در عالم _____ از گوش _____ بودیم و از چشم _____ و از زبان _____.

ج. وقتی در این عالم متولد شدیم، دیده _____ و گوش _____ و زبان _____.

د. همچنین چون به ملکوت الهی رویم، _____ یابیم.

ه. آنگاه دیده _____ ما _____ و سمع _____ ما _____ و جمیع _____ مجهوله _____ شود.

۲. تعیین کنید آیا گزاره‌های ذیل درست هستند یا خیر:

- _____ وقتی در عالم رحم هستیم، از این عالم آگاهی داریم.
- _____ حالت ما پس از مرگ حقیقتی است که در این زندگی بر ما پنهان است.
- _____ افق‌هایی کاملاً جدید پس از مرگ به روی ما گشوده خواهد شد.
- _____ وقتی می‌میریم، به این عالم بازمی‌گردیم تا دوباره متولد شویم.

بخش بیست و یکم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

«و اما ما سئلت من الأرواح و اّطلاع بعضها على بعض بعد صعودها فاعلم انّ اهل البهّاء الذين استقروا على السّفينة الحمراء اولئك يعاشرون و يؤانسون و يجالسون و يطیرون و يقصدون و يصعدون كأنّهم نفس واحدة الا أنّهم هم المّطلعون و هم النّاظرون و هم العارفون كذلك قضی الأمر من لدن علیم حکیم اهل بها که در سفینه الهیه ساکن‌اند کلّ از احوال یکدیگر مّطلع و با هم مأنوس و مصاحب و معاشر این مقام منوط به ایقان و اعمال نفوس است نفوسی که در یک درجه واقف‌اند مّطلع‌اند از کمّیات و کیفیّات و درایج و مقامات یکدیگر و نفوسی که در تحت این نفوس واقع‌اند کما هو حقّه بر مراتب و مقامات نفوس عالیّه از خود اّطلاع نیابند لکّل نصیب عند ربّک طوبی لنفس توجّه الى الله و استقام فی حبّه الى ان طار روحه الى الله الملك المقتدر الغفور الرّحیم.»^{۲۸}

مضمون: و اما آنچه سؤال کردی از ارواح و اّطلاع بعضی از آنها درباره دیگران بعد از صعود، پس بدان که اهل بهاء که بر سفینه حمراء مستقر هستند با هم معاشر و مؤانسند و با هم می‌نشینند و با هم پرواز می‌کنند و با هم قصد می‌کنند و با هم صعود می‌کنند چنان که گویی نفس یگانه‌ای هستند. به راستی که آنها مّطلعون و ناظرند و می‌دانند. این چنین حکم شد از جانب خداوند علیم و حکیم... همه نزد پروردگارت نصیبی دارند. خوشا به حال کسی که به خدا توجّه کرد و در محبّت او استقامت نمود تا این که روحش به سوی خداوند ملک مقتدر غفور رحیم پرواز کرد.

۱. آیا در عالم بعد، افرادی را که در این عالم می‌شناختیم تشخیص خواهیم داد؟ _____

۲. رابطه بین ارواح در عالم بعد چقدر نزدیک خواهد بود؟

۳. تفاوت‌ها و تمایزات میان ارواح در عالم بعد منوط به چه خواهد بود؟

۴. آیا کسی از فیض الهی محروم خواهد بود؟

بخش بیست و دوم

حضرت بهاءالله به ما می‌فرمایند:

«ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالم‌های قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البته به جمیع آنها رسیده فائز گردید.»^{۲۹}

۱. تعیین کنید کدام یک از موارد زیر درست هستند:
- _____ وقتی امور به نحوی که ما می‌خواهیم نیست باید بسیار دلتنگ گردیم.
- _____ هر چه شود چه خوب و چه بد قضای الهی است.
- _____ ایام خوش رحمانی در انتظار همه ما است.
- _____ مطمئناً عوالمی را خواهیم دید که قدس و روحانی هستند.
- _____ برای ما مقدر شده که هم در این زندگی و هم در زندگی بعد از مواهب عالم‌های قدس روحانی نصیب بریم.
۲. چرا وقتی امور بر خلاف رضای ما واقع شود نباید دلتنگ شویم؟

۳. حضرت بهاءالله در این بیان چه قولی به ما می دهند؟

بخش بیست و سوم

در این واحد، درباره معنای حیات انسان تأمل نموده‌اید. مطالب بسیاری راجع به ماهیت روح، هدف از حیات در این عالم، ضرورت پرورش صفات روحانی، و بشارات زندگانی ابدی مملوّ از سرور و جلال آموخته‌اید. در واحد دوم این کتاب، درباره یک هدف دوجانبه سخن گفتیم: دنبال کردن رشد روحانی و فکری خود و مشارکت در تحوّل اجتماع. فرصت خوبی است که به آن مفهوم مراجعه کنید و درباره اهمیت رسیدگی به هر دو جنبه این هدف، در پرتو بصیرت‌هایی که درباره ترقی روح کسب کرده‌اید، تفکر نمایید. ممکن است گفتگو درباره موضوعات زیر در گروه‌تان برای تأملات شما مفید باشد.

۱. پرورش صفات روحانی

۲. اطاعت از احکام الهی

۳. مشارکت در رفاه نژاد بشری

۴. پیشرفت در مسیر خدمت

مراجع

۱. خطابات حضرت عبدالبهاء (در سفر اروپا)، جلد ۱، ص ۱۴۵.
۲. حضرت ولی امرالله، مندرج در انوار هدایت، ترجمه طا-۱۵۹ ب، ص ۴۳۴، با تصرّف (ترجمه).
۳. از پیامی منتشر نشده مورّخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از افراد احبّا (ترجمه).
۴. حضرت عبدالبهاء، در مفاوضات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۸۰.
۵. حضرت عبدالبهاء، در مفاوضات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۴.
۶. خطابات حضرت عبدالبهاء (در سفر اروپا)، جلد ۱، ص ۱۳۴.
۷. حضرت ولی امرالله، مندرج در انوار هدایت، ترجمه طا-۱۵۹ ب، ص ۲۵۴، با تصرّف (ترجمه).
۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۸.
۹. حضرت عبدالبهاء، در مفاوضات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۷۱.
۱۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۴.
۱۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۵.
۱۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۲۲.
۱۳. حضرت بهاءالله، کلمات مبارکه مکنونه عربی، شماره ۳۲.
۱۴. خطابات حضرت عبدالبهاء (در سفر آمریکا و کانادا)، جلد ۲، صص ۱۷۰-۱۷۱.
۱۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۴.
۱۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۷.
۱۷. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۰.
۱۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۵۰.
۱۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صص ۵۰-۵۱.
۲۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۴۰.
۲۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۶.
۲۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۶۷.
۲۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۸.
۲۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۸۱، ص ۱۰۵.
۲۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۷۱.
۲۶. حضرت عبدالبهاء، در مفاوضات حضرت عبدالبهاء، صص ۱۷۴-۱۷۵.

۲۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۱۷۳.

۲۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۱۳.

۲۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۱.